

نامه  
**مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۹۵  
شنبه ۲۹ آذر ۱۳۵۹، مطابق با  
۱۲ صفر ۱۴۰۱، بهای ۱۵ ریال

# رزمندگی و ایثار خلق و غارتگری غارتگران

جیبه قرار دادماند، یزرگزنان و مردانی که با رنج شبانه روزی قوت جیبه و پشت جیبه را از دل خاک بیرون میکشند، آنها که برای رزمندگان جان برکف ماه میزنند و میدوزند و مریانند و بسته بندی میکنند همه و همه همین توده مستقیم است که انقلاب از خون او جوشیده است و با خون و کار و رنج خود از انقلاب و دستاوردهای آن پاسداری میکند. به گفته امام خمینی: مردم ما واقعا خونند... هر روزی برای این مملکت مشکلی پیدا میشود حلالش خود مردم هستند.

این مردم با چه ایثار شکستی- آفرین و با چه بردباری خصین- انگیزی بر مشکلات غلبه میکنند. بارهای توانفرسای قناعت و محرومیت را بر دوش میکشند. **بقیه در صفحه ۲**

از همین مردم کوچک و بزرگند. افراد بسیج مستضعفین، که دارطلبانه برای دفاع از میهن انقلابی به جیبه های جنگ شتافته اند، از میان همین مردم برخاسته اند. آنها که خانه های خود را سنگر نبرد علیه دشمن متجاوز ساخته اند و کوجه به کوجه و خانه به خانه از زادگاه خود دفاع میکنند، از همین مردمانند. کارگرانی که با زور کار خود را وثیقه تدارک و تامین

هست، همان مردم جنوب شهر است، زمانی که نخستین گلوله آتشزای دشمن تجاوزکار بر فراز خاک ما به پرواز درآمد، فرمان امام خمینی، چون پیکری واحد به دفاع از شرف و استقلال و انقلاب خود برخاست و با همه هستی خود به میدان آمد. پاسداران و سرایزانی که چنین جانانه در جیبه های جنگ می- رزمند و زندگی جوان خود را وثیقه پیروزی انقلاب قرار داده اند

توده موم و رزمند و ایثارگر، در کوزه آزمایش جنگ تحمیلی، سیمای غرور آفرینی از خود ترسیم کرده است. توده محرومی که یکبار قهرمان پیروزی بر نظام اهریضی طاقوت شد، اکنون در هنگامه نبرد نیز، خود را عامل قاطع پیروزی بر امپریالیسم جایتکار آمریکا نشان داده است. این توده فداکار که، از زبان امام خمینی، همان مردم کوچک و بازار و خیابان-

## تصمیمات انقلابی در وزارت آموزش و پرورش

آقای محمد کاظم نائینی، مدیر کل دفتر تحقیقات و برنامه ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش، در یک گفتگوی اختصاصی با خبرنگار روزنامه اطلاعات، مطالب جالبی پیرامون تغییر نظام آموزشی و برخی از برنامه های وزارت آموزش و پرورش بیان داشت.

آقای نائینی بر ضرورت توزیع عادلانه آموزش و پرورش در سطح کشور تاکید کرد و نایب ابریهای موجود را، بدست آوردن اوضاع نابسامان گذشته دانست و ضرورت رفع این برعادت را یادآور شد.

آقای نائینی ضمن تاکید بر این مهم که: انقلاب فرهنگی بدون دخالت مردم امکان پذیر نیست، لزوم شرکت و نظارت مردم را در تدوین برنامه های مربوط به تغییر نظام آموزشی خاطر نشان ساخت.

تجارب پیشین و بطور مشخص تجربه قانون اساسی نشان داده است که در تدوین هر قانون مردمی، نظرخواهی از عموم می- تواند به نفع هر چه بیشتر آن کمک کند. دگرگونی اساسی در نظام آموزشی کشور که سالیان دراز زیر سیطره فرهنگ نو- استعماری و سنن کهن و مندرس جامعه نیه فئودالی قرار داشته، مسئله آنچنان مهمی است که بحث و مذاقه چندتن صاحب نظر در اطایای درسته، نمیتواند آنرا به حل صحیح برساند، بلکه همانطور که مدیر کل دفتر

تحقیقات و برنامه ریزی درسی وزارت آموزش و پرورش بیان داشته این مشورت و نظرخواهی باید جنبه همگانی و مردمی بخود گیرد.

آقای نائینی یکی از مهمترین تصمیمات وزارت آموزش و پرورش را در دوران وزیر جدید، آقای دکتر باهنر، اجباری و رایگان بودن تحصیلات عمومی هشت ساله اعلام کرده است. این یکی از آن تصمیمات انقلابی است که به توقع و انتظار مردم از انقلاب پاسخ میدهد.

نظامهای ضد مردمی، که شرط تداوم خود را، جهل و بی خبری مردم میدانستند، طی سالها مانع از سواد آموزی و دانش آندوزی توده های زحمتکش شهر و ده شدند. روزی که طاقوت از تخت پوزیر کنیده شد، پیش از صدی ۶۰ مردم از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند. این نسبت در روستاها به صدی ۲۵ و در میان زنان روستایی به صدی ۹۲ میرسید. در آخرین سال فرمانروایی طاقوت، سه میلیون کودک به سن تحصیل، راه به مدرسه نیافته بودند. فرهنگ طبقاتی آموزش و پرورش را از دسترس توده ها دور و در خدمت طبقات متمکن قرار داده بود.

انقلاب مردمی ۲۲ بهمن رسالت داشت که آموزش و پرورش را خلق کند. و به فرزندان کارگران و دهقانان و سایر اقشار زحمتکش امکان دهد که بیاموزند و دستمزد- های ناشکفته خود را بارور کنند.

در ادامه نبرد رزمندگان انقلاب با متجاوزین صدامی در چند روز گذشته، ضربات سنگین دیگری بر متجاوزین وارد آمد. ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران طی اعلامیه شماره ۳۴۱ خود شرح عملیات رزمندگان انقلاب در برخورد با متجاوزین را به اطلاع مردم رسانید. در این اعلامیه از جمله آمده است: **دخشی از عملیات ۲۴ ساعت گذشته (پنجشنبه)، به این شرح:** به اطلاع هموطنان ارجمند می- رسد. ۱- ساعت ۱۱:۳۰ دیروز (پنجشنبه) ۳ فروند هلی کوپتر متجاوز عراقی به فضای مناطق

شمالی آبادان تجاوز کردند که بر اثر آتش رزمندگان دلیر ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران، یک فروند آن در هوا منفجر شد. ۲- روز چهارشنبه ۲۶ آذرماه در منطقه گیلان تریب بر اثر آتش توپخانه و خمپارمانداز نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، یک انبار مهمات کالیبر کوچک، یک خودرو، ۹ سنگر انفرادی و یک سنگر ضد هوایی دشمن نابود شد و ۱۲ نفر از نیروهای دشمن کافر کشته و ۳۰ نفر مجروح شدند. ۳- بعد از ظهر روز ۲۶ آذرماه در منطقه سومار در مبادله آتش توپخانه، تعداد ۴ سنگر پستی دشمن نابود شد و ۶ نفر از متجاوزین عراقی به هلاکت رسیدند. ۴- چنگکنند- های نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی پاسدار روز ۲۶ آذر قرارگاهها و مواضع نیروهای متجاوز عراقی را در غرب خوزین- شهر مورد حمله قرار دادند و همزمان توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران این منطقه را زیر آتش شدید خود قرار داد. ۵- همچنین در روز ۲۶ آذر مناطق ام الرصاص، ذین و العاصم در عراق توسط

### حجت الاسلام خامنه ای:

**زنان سهم بسیار موثری در این حرکتی که ملت ایران دارد انجام میدهد، داشتند**

**اصرار دارم بگویم شورای دفاع در امر فرماندهی نظامی هیچگونه تصرفی ندارد و نمیکند**

نماز جمعه دیروز تهران. همانند جمعه های گذشته با حضور دهها هزار تن نمازگزار در دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم و قبل از شروع خطبه های نماز، گياوش نماینده مجلس شورای اسلامی از خوزستان سخن گفت. آنگاه حجت الاسلام خامنه ای امام جمعه تهران به ایراد خطبه های نماز پرداخت. وی در خطبه نخست به توطئه هایی که از جانب محافل معینی برای خنثی سازی آوردن به اجتناع با شکوه مردم در مراسم نمازهای جمعه صورت میگیرد **بقیه در صفحه ۲**

### در ۲ روز گذشته با آتش رزمندگان انقلاب

## یک فروندهلی کوپتر دشمن و چندین سنگر مزدوران نابود شد

توپخانه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران زیر آتش قرار گرفت و تلفات و خسارات قابل توجهی به دشمن وارد شد. ۶- شهر سوسنگرد مجدداً از **بقیه در صفحه ۲**

**در صفحات بعد**

**گرایش سازشکارانه لیبرالیسم با امپریالیسم قانونمند است** **صفحه ۲**

**خلق السالوادور می رزمد** **صفحه ۶**

**چاد همچنان درگیر جنگ خانگی است** **صفحه ۶**

**طبقه کارگر ایران در برابر تجاوز آمریکایی صدام از میهن انقلابی خود دفاع می کند!** **صفحه ۴**

**مشکلی در مقابل روند انقلاب** **صفحه ۵**

نورالدین کیا نوری  
پرسش و پاسخ

(۲)

**تلاش لیبرال ها را برای ادامه تحمیل راه سرمایه داری به خلق انقلابی ما با قاطعیت تمام باید عقیم گذاشت**

**صفحه ۲**

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# تشکیل «حزب ملی-مترقی مصر» برای مبارزه بر ضد رژیم سادات خائن



## زنان سهم بسیار...

بقیه از صفحه ۱

اشاره کرد و آنها را در خط امیر یالیم و بلند گورهای تبلیغاتی آنان دانست. وی در خطبه دوم نماز ضمن تاکید بر این که شورای عالی دفاع در فرماندهی نظامی جنگ دخالتی ندارد، از جمله گفت: «بعضی کوشش می کنند اینچنین را نمود بشود که فرماندهی در این زمینه ها (عملیات نظامی علیه تجاوزین) بعهده شورای عالی دفاع است و بنده اصرار دارم که به شما برادران و خواهران بگویم که شورای دفاع در امر فرماندهی نظامی هیچگونه تصرفی ندارد و نمیکند. تعرض یا عدم تعرض، یا تعیین و گزینش مسئولان، هیچیک از اینها در عهده عمل شورای عالی دفاع نیست. شورای عالی دفاع در زمینه مسائل مشورت می کند، تصمیم میگیرد، تصمیم خود را به مسئولان ابلاغ می کند. اما مسئولان مملکت آنها را بر طبق مصلحت بدانند و عمل کنند، یا ندانند و عمل نکنند. تاکنون وضع شورای عالی دفاع در بیشتر مسائل مربوط به جبهه های جنگ اینچنین بوده، مگر آن مواردی که یک تلاش بیشتری انجام گرفته است که آنچه بر وفق مصلحت است انجام بگیرد. بحدالله در مواردی هم توفیق پیدا کردیم، آنچه را که ثابت شده است بر مصلحت است، اینها را قبولانندیم و اثبات کردیم، بر طبق مصلحت است. برادران مسئول نظامی هم کمک کردند و انجام شده، حجت الاسلام خامنه ای همچنین تاکید کرد که رزمندگان جمهوری اسلامی ایران آمادگی کامل دارند تا دشمن تجاوز را بطور کامل شکست دهند.

امام جمعه تهران در بخش دیگر سخنانی مردم را دعوت کرد که با تمام امکانات به جبهه های جنگ یاری رسانند. حجت الاسلام خامنه ای همچنین از نقش برجسته زنان انقلابی ایران در این جنگ تجاوز کرانه، در جبهه ها و نیز پشت جبهه سخن گفت و یاد آور شد: «زنان سهم بسیار موثری در این حرکت که ملت ایران دارد انجام میدهد، داشتند و قدر این سهم عظیم را آن کسانی می دانند که سیاستهای استعماری گذشته را که سعی می کرد زن را بصورت یک عضو متصل از دست فعال جامعه دریاورد و یا او را سرگرم چیزهای کوچک و یست کند، دیده اند. آنها قدر این حرکت فعالانه خواهران را می دانند.»

## یک فروند ...

بقیه از صفحه ۱

مین هایی که برادران سپاه پاسدار بکک دلاوران زاندارمیری کار گذاشته بودند متهدم شد.

۷- خبر در مناطق شوش، چمر- نادری، شور شیرین، کانی سخت، کچان چم و ارتفاعات ملک شاهی همچنان ادامه داشت. ضمن ساعت ۱۵، روز ۲۶ آذرماه یک نفر از درجه داران ارتش عراق خود را با تجهیزات انفجاری به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران معرفی کرد و مورد استقبال برادران نفرین و چند سنگر دشمن را منهدم ساختند. همچنین ۲ دستگاه نفرین متجاوزان عراقی توسط

آزادی مناطق اشغال عرب، از جمله بیت المقدس، بنیانگذاری یک کشور مستقل فلسطینی، دستیابی به وحدت اعراب، بر پایه همیاری اقتصادی و تحکیم توان خلقهای عرب. بدین ترتیب، ما توانای آتما داریم که بیکار ملی و بین المللی را در راه آزادی و پیشرفت فعالانه یاری بخشیم. (...)

## بیکار در راه دمکراسی راستین

تحقق هدف استراتژیک و عمومی ما تنها هنگامی امکانپذیر است که به آماج های زیر دست یابیم:

۱) بازگشت مصر به موضع پیشین خویش، بعنوان مدافع آزادی و پیشرفت و مبارزه ضد استعمار. مصر باید بار دیگر رهبری جنبش آزادی بخش عربی کشورهای غیرمتهد را بعهده گیرد.

۲) مبارزه با سیاست صلح جداگانه و جلوگیری از سرایت آن به دیگر مناطق میهن عرب.

۳) ارائه سیاست اقتصادی، که بر پایه پاسداری از استقلال اقتصادی و برنامه ریزی استراتژی توسعه، استوار باشد.

۴) تبدیل دمکراسی صوری (دمکراسی انکله) به دمکراسی راستین (دمکراسی تولید کنندگان) و دگرگونی بنیادی جامعه مصر، از راه:

الف) وادار کردن دولت به کناره گیری؛

ب) تشکیل یک دولت گذار، از نمایندگان همه گرایش های مختلف نیروهای ملی-دمکراتیک؛

پ) لغو همه قوانین و مقرراتی، که آزادی های سیاسی و دمکراتیک را محدود میسازند، بویژه: قانون بازداشت شماره ۳۸ سال ۱۹۷۱؛

قوانین شماره ۳۴ و ۳۷ سال ۱۹۷۲؛

تصویب نامه الحاقی قانون شماره ۲ سال ۱۹۷۷؛

قانون شماره ۳۳ درباره حفاظت از جبهه داخلی چشم دوخته اند و مایلند که منابع پولی و انسانی آنها را در اختیار خود در آورند، مصون دارد.

۱۰- تدوین یک برنامه ملی رهایی برای سه سال آینده، به منظور نجات دادن اقتصاد ملی از وابستگی به خارج و اعتبارات خارجی و بهره برداری از توان اقتصادی برای تامین رشد سریعتر اقتصاد. مبارزه برپایان با تورم و بالابردن سطح زندگی توده های فقیر. بکک چنین برنامه ای می توان از بدتر شدن وضع اقتصادی و خدمات اجتماعی و تنزل سطح زندگی جلوگیری بعمل آورد.

سیاست اقتصادی نباید به بروز اختلافات عقیدتی در میان نیروهای ملی بیانجامد. همه ما با یک مسئله روبرو هستیم و آن رهایی اقتصادمان از شر سیادت خارجیان است. همه نیروهای سیاسی که به منافع حیاتی میهنان می اندیشند، باید بر این پایه با یکدیگر به توافق برسند. همه ما باید درباره ضرورت تحول مستقل اقتصاد و توزیع عادلانه (ثروت ملی)، بعنوان ضامن رشد اقتصادی، هم آرا باشیم.

برخی از هدفهای کنگره ما عبارتست از: حفظ استقلال ملی، توسعه اقتصاد و فرهنگ مستقل،

همه امکانات جامعه را در جهت صحیح میسر میسازد.

۳- تقویت نقش رهبری کننده بخش دولتی و پاسداری از اقتصاد ملی در برابر فرمانروایی بیگانه.

۴- رعایت نقش بنیادی سرمایه ملی در بخش های تولیدی، بازرگانی، توزیع و خرده فروشی.

همه اقدامات اقتصادی باید در چارچوب یک برنامه عمران ملی صورت گیرد، که حقوق کارگران و درآمد مالیاتی عادلانه را برای دولت تامین سازد.

۵- باید کوشید تا از نیروی خودی و منابع ملی (اقتصادی و انسانی) استفاده گردد.

۶- توسعه بخش تعاونی، به عنوان پایه حمایت از خرده تولید کنندگان و گسترش صنعت مدرن. باید توجه داشت که ایجاد تعاونیها و تعیین رهبری آنها از طریق انتخابات آزاد صورت پذیرد و تعاونیهای نامبرده اعتبار و خدمات دیگر خود را در اختیار دهقانان بگذارند. باید از راندن دهقانان از زمینهای خود جلوگیری و در اجاره بهای زمین تجدیدنظر کرد.

۷- باید همه قوانینی را که در چارچوب اقتصاد باز، بتصویب رسیده است، دوباره مورد بررسی قرارداد و آنها را با نیازمندیهای توسعه اقتصادی مصر هماهنگ ساخت. برنامه ریزی عمومی باید اولویت یابد.

۸- جلوگیری از همه گونه فعالیت های انکله رار، که تنها بسود عده قلیلی رباخوار تمام میشود و هیچگونه بار آوری برای اقتصاد مصر ندارد.

۹- عقیم گذاشتن تلاشهای اسرائیل، مبنی بر فرمانروایی بر اقتصاد مصر. تنها بازگشت مصر به خود کفایی عربی می تواند ضمانتی در برابر خطر اقتصادی اسرائیل باشد و ما را از گزند انحصارات بین المللی، که به ثروت طبیعی کشورهای عربی چشم دوخته اند و مایلند که منابع پولی و انسانی آنها را در اختیار خود در آورند، مصون دارد.

۱۰- تدوین یک برنامه ملی رهایی برای سه سال آینده، به منظور نجات دادن اقتصاد ملی از وابستگی به خارج و اعتبارات خارجی و بهره برداری از توان اقتصادی برای تامین رشد سریعتر اقتصاد. مبارزه برپایان با تورم و بالابردن سطح زندگی توده های فقیر. بکک چنین برنامه ای می توان از بدتر شدن وضع اقتصادی و خدمات اجتماعی و تنزل سطح زندگی جلوگیری بعمل آورد.

سیاست اقتصادی نباید به بروز اختلافات عقیدتی در میان نیروهای ملی بیانجامد. همه ما با یک مسئله روبرو هستیم و آن رهایی اقتصادمان از شر سیادت خارجیان است. همه نیروهای سیاسی که به منافع حیاتی میهنان می اندیشند، باید بر این پایه با یکدیگر به توافق برسند. همه ما باید درباره ضرورت تحول مستقل اقتصاد و توزیع عادلانه (ثروت ملی)، بعنوان ضامن رشد اقتصادی، هم آرا باشیم.

برخی از هدفهای کنگره ما عبارتست از: حفظ استقلال ملی، توسعه اقتصاد و فرهنگ مستقل،

۲. باید هشدار داد که بیروزی بر قرارداد مصر و اسرائیل به معنای بیروزی در یافتن راه حلی برای اختلافات میان اعراب و اسرائیل نیست، بلکه همچنین لازمتی است که در راه پیشبرد خواست های همه اعراب، بویژه خلق فلسطین، کوشا باشیم. همچنین خطر تبدیل قرارداد «کمپ دیوید مصر» را به «کمپ دیوید اعراب» نباید نادیده گرفت.

۳. حزب ما باید از پایه وسیع جنبش مخالفت با «کمپ دیوید» برای پیشبرد هدفهای دوگانه زیر بهره جوید:

الف) تحکیم پیوند میان کارگران، دهقانان و قشرهای گوناگون توده خلق. در این زمینه، باید به وابستگی میان همه مسائل، که گریبانگیر مردم ما شده است (بحران عمیق اقتصادی و سلطه دمکراسی نیروهای انکله بجای دمکراسی تولید کنندگان)، توجه خاص داشت.

ب) ایجاد «جبهه ملی» گسترده. در این زمینه، نخست باید به تدوین برنامه ای حداقل اقدام ورزید که مورد توافق همه نیروهای سیاسی گوناگونی باشد، که با سیاست حزب حاکم به مخالفت برخاسته اند. این برنامه حداقل باید مسائلی چون مسئله استقلال ملی، مسئله دمکراسی و مسئله اقتصادی را دربر گیرد.

۴- هر قدر در مبارزه توده ای برای نابودی قرارداد کمپ دیوید، کامیاب تر باشیم، بهمان اندازه نیز موفقیت ما در یافتن راه حلی برای مسائل استقلال ملی، بیرون از چارچوب امپریالیستی، بیشتر خواهد بود.

۵- ماهیت حزب ما، که طیف وسیع از نیروهای مختلف جنبش آزادی ملی مصر، با عقاید ملی، اجتماعی و مترقی-مذهبی گوناگون را دربر میگیرد، بیروزی ما را در غلبه بر مخاطرات مرحله آتی تضمین خواهد بخشید. تعلق ما به توده های خلق ما را در این راه یاور خواهد بود. (...)

## اصول اقتصادی «حزب ملی - مترقی مصر»

کنگره اول «حزب ملی - مترقی» در زمینه اقتصادی - اجتماعی، به بررسی پیامدهای سیاست «اقتصاد باز» (سادات) مبادرت ورزید. کنگره به این نتیجه رسید که، سیاست نامبرده به تعمیق شکافهای اجتماعی منجر شده است. جامعه ما به دو گروه ابرثروتمندان و مستمندان تقسیم گردیده است.

کنگره سیاست اقتصادی «حزب» را در ۱۰ اصل زیر خلاصه کرد:

۱- نظارت پایدار بر استقلال اقتصادی و مقابله با هرگونه بهره کشی و وابستگی، که امپریالیسم و صهیونیسم، مستقیم یا غیرمستقیم، از طریق بزرگ کسرتها چندنمیتی اعمال می دارند، نیروی کار خلق را استثمار میکنند و، با اصطلاح «تورقیق سرمایه به اقتصاد»، رشد اقتصادی را باز میدارند.

۲- بازگشت به برنامه ریزی عمومی و علمی اقتصاد که بسج

در روزهای ۲۲-۲۱ فروردین اسال نخستین کنگره «حزب ملی - مترقی مصر» که در آن اکثریت نمایندگان مارکسیست یا ناصریست بودند، برگزار شد. هدف این کنگره آن بود که جبهه ای واحد و وسیع از نیروهای ملی مصر علیه رژیم سادات خائن پدید آورد.

در پایان این کنگره «اعلامیه سیاسی» به تصویب رسید، که بخش های عمده آن در زیر از نظر خوانندگان میگذرد:

تصمیمات کنگره

«در روزهای ۱۱-۱۰ آوریل ۱۹۸۰ (۲۱-۲۲ فروردین ۱۳۵۹) نخستین کنگره «حزب ملی - مترقی مصر» که در آن ۴۰۱ نماینده از ۲۱ ناحیه شرکت داشتند، برگزار شد: در کمیسیون های مختلف کنگره، گزارش سیاسی، سخنرانی گشایشی خالد محی الدین، بنیانگذار مبارز «حزب»، پیش نویس «برنامه عمومی سیاسی» تحت عنوان «برای مصر» به تصویب رسید. طرح آئین نامه و گزارش سیاسی مورد بحث قرار گرفت. پس از آنکه در این کمیسیونها اصلاحاتی در برخی از اسناد نامبرده بعمل آمد، کنگره در شامگاه ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) آنها را با اکثریت تام تصویب کرد. کنگره، علاوه بر این، رهنمودهای گزارشی را سیاسی و سخنرانی گشایشی را مورد تایید قرار داد.

به تصمیم کنگره، هدف اصلی مبارزه خلق مصر در مرحله کنونی عبارتست از: مقابله با سیاست صلح جداگانه با اسرائیل، که ایالات متحده آمریکا ابتکار آنرا بدست گرفته است. این سیاست، که امپریالیسم برای پیشبرد آن پیشتازی میکند، یا تحقرویی تاریخی صهیونیسم، یعنی عادی شدن مناسبات با مصر و مبادله سفیران، آغاز گردید. این رویداد بی آمندیمی مشی سیاسی دولت بود، که با دیدار (انور سادات در دیسام ۱۳۵۶) شروع شد و با امضای «قرارداد کمپ دیوید» و قرارداد صلح جداگانه میان دولتهای اسرائیل و مصر ادامه یافت.

از سوی دیگر، این هجوم امپریالیستی صهیونیستی جبهه ای مستحکم از نیروهای ملی را در مصر پدید آورد و آغازگر حرکتی صمودی گردید، که حقیقت آن «قرارداد کمپ دیوید» بود. (...)

مبارزه با «کمپ دیوید» بعنوان پایه تعکیم اتحاد خلق

برای اینکه در مرحله آتی با همه خطرات قادر به مقابله باشیم، مشی حزب ما باید چنین باشد:

۱. «قرارداد کمپ دیوید» را باید نابود ساخت. حزب ما در این مبارزه در چارچوب جبهه ای وسیعتر، مرکب از نیروهای مصری، عربی و بین المللی، عمل می کند.

**در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم**

نورالدین کیانوری  
«پرسش و پاسخ»



# تلاش لیبرال‌ها را برای ادامه تحمیل راه‌سر مایه‌داری به خلق انقلابی ما با قاطعیت تمام باید عقیم گذاشت!

جلسه معمول «پرسش و پاسخ» روز یکشنبه ۲۳ آذرماه ۱۳۵۹ با حضور رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران تشکیل شد. شرکت‌کنندگان در جلسه پرسشهای گوناگونی را در این جلسه مطرح کردند که رفیق کیانوری به آنها پاسخ گفت. بخش اول این «پرسش و پاسخ» در شماره گذشته درج شد. و اینک بخش دوم آن به چاپ می‌رسد.

در اینجا چند سؤال پست هم شده است که من اول آن‌ها را می‌خوانم تا ببینم چگونه باید به آن‌ها پاسخ داد:

۱- من یک مسلمانم و فکرمی‌کنم به رهبری امام خمینی می‌توان یک رژیم اسلامی مرفعی در خط امام داشت. اما این روزها همکارانم، مخصوصاً کسانی که روزنامه «انقلاب اسلامی» را می‌خوانند آن قدر از چپ و راست حمله می‌کنند و ایراد می‌گیرند که کیچ شده‌ام. این ایرادات و حملات به هم می‌چیز و از جمله به «سازش» در مورد «گروگان‌ها» و خود «گروگان‌گیری» که به نام تقویت جناح جنگ طلب در آمریکا شده است، و نیز به «کرایش جنگ طلبی روحانیت» و «دخالته در عراق»، «مسئله کردستان»، «اصلاحات ارضی»، «راديو وتلويزيون»، «آزادی» وغيره مربوط می‌شود. لطفاً کمی راجع به وضع فعلی توضیح دهید.

۲- جای «سازمان مجاهدین خلق»، به عنوان یک سازمان مبارز مسلمان باید کجا باشد؟ این روزها مجاهدین نیز در سلطوع کردن اوضاع، مثلاً در مدارس، دخالت دارند. دلیل آن چیست؟ آیا در دام افتاده‌اند؟ اگر آری، برای نجات آن‌ها و کمک به انقلاب چه باید کرد؟ حوادثی که این روزها در شهرهای قم و مشهد و شیراز و اصفهان گذشت ظاهراً نمایانگر تشدید اختلاف بین دو جناح از مسلمانان است، که در یک سمت آقای رئیس‌جمهور و دوستانش قرار دارند و درست دیگر، روحانیت مبارز، نظیر شاد دربار» این موضوع چیست؟

۳- با توجه به درگیری بین سازمان مجاهدین و حزب جمهوری اسلامی و حمایتی که لیبرال‌ها از مجاهدین می‌کنند آیا ممکن است در آینده مجاهدین علیه دموکراسی انقلابی جبهه بگیرند و در نابودی آن با لیبرال‌ها همکاری کنند؟

ج: همان طور که گفتیم البته به همه این سؤالات نمی‌شود، یک پاسخ جواب داد. بنابراین گوش می‌کنم، که، مثل همیشه به مهم‌ترین آن‌ها جواب بدهم.

اول در مورد اختلاف بزرگی که بین دو جناح از نیروهای «مؤثر در حاکمیت کونی ایران شروع شده و گسترش پیدا کرده است. این نیروها مبارز تندراز نیروهای که دولت، مجلس، مقام ریاست جمهوری، کمیته‌ها و نهادهای انقلابی و غیره را در اختیار دارند، یعنی در این نهادها موضع تعیین‌کننده دارند. این دیگر بر کسی پوشیده نیست که در بین این نیروها یعنی در بالای حاکمیت کونی ایران اختلافات بسیار عمیقی به وقوع پیوسته است. ما بارها گوش کرده‌ایم که طیف نیروهای راکه در دو جناح این جبهه‌گیری بزرگ کونی جبهه مایه‌داری به طور دقیق روشن کنیم. ولی اول بپردازیم به شکافی که در داخل نیروهای اسلامی، نیروهای که همه خود را طرفدار متعهد اسلام می‌شمارند، پیدا شده است. واقعیت این است که الان تمام آن نیروهای که هم‌اکنون دولت وقت «گام به گام» بودند، دور روزنامه «میزان» متمرکز شده‌اند. («کیهان» هم در اختیار آن‌ها بود ولی از دست آن‌ها بیرون آمد.) از طرف دیگر، بخشی از نیروهای اسلامی که در دوران دولت «گام به گام»، تقریباً در پوزیشن قرار داشتند (مانند آقای بنی‌صدر و هواداران ایشان) و الان در موضع خیلی شدید ضد حزب جمهوری اسلامی و ضد روحانیت مبارز (که درست‌گیری حزب جمهوری اسلامی، یعنی به طور عمد در سمت‌گیری خط امام قرار دارند) هستند، دور روزنامه «انقلاب اسلامی» متمرکز شده‌اند. علاوه بر این، دور و بر این دو مرکز یک طرف روحانیت بنی‌استه‌اند که تاکنون با انقلاب همکاری نمی‌کردند و با هم‌راه آن لنگ‌لنگان قدم بر می‌داشتند و از طرف دیگر شخصیت‌های اسلامی مبارزی که در مواضع ضد امپریالیستی و خلقی خیلی جدی قرار دارند و ما برای آن‌ها احترام فراوان قائل هستیم. از این گذشته، از سازمان مجاهدین خلق هم باید نام برد که خود را یک سازمان کاملاً متعهد اسلامی اعلام می‌کنند و آن قدر هم که آن‌ها را از روی هوادارانشان می‌شناسیم، واقفان جوان‌های متعهد اسلامی هستند. اینک در جبهه نیروهای اسلامی که تقریباً هم‌اکنون کم‌وبیش در جبهات مبارزه علیه رژیم استبدادی شرکت داشته‌اند شکاف بسیار عمیقی بوجود آمده است. اینجاست روی رژیم استبدادی تکیه می‌کنم، برای این‌که همه این نیروها در مبارزات ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم آمریکا شرکت نداشته‌اند. بعضی از این نیروها نسبتاً در مبارزات به مسود خلق و برای مردم شرکت نداشته‌اند، بلکه عملاً در جهت مخالف خواست‌های خلق قرار داشتند و دارند. این شکاف به‌جایی رسیده است که در مجلس یکی از نمایندگان رسماً گفت که کودتای خزنداری در حال تدارک و در حال پیشرفت است. از طرف دیگر گفته می‌شود که نیروهای وابسته به روحانیت مبارز تمام قدرت را منحصر کرده‌اند و به طرف یک دیکتاتوری نوع جدید، می‌روند، که مالا به سازش با امپریالیسم آمریکا و دشمنان ملت منجر خواهد شد. بعضی‌ها هم پواشکی می‌گویند این «دیکتاتوری روحانیت مبارز» به تسلیم در برابر کمونیسم تمام می‌شود و کمونیست‌ها قدرت را در دست خواهند گرفت. بعضی‌ها دیگر خیلی شورش را در آورده‌اند و می‌گویند «بله اصلاً روحانیت مبارز را حزب توده دارد می‌گرداند و بعضی از آن‌ها اصولاً توده‌ای هستند!». یکی دیگر حتی ادعا کرده است که ما توده‌ای‌ها را فرستادیم توی روحانیت مبارز که آنجا قیافه روحانی بگیرند و خود را روحانی بجا بزنند! یا آقای بنی‌صدر ادعا کرده است که در میان روحانیت، توده‌ای‌ها جاگرفتند و ایدئولوژی‌شان را به آن‌ها القا می‌کنند و اخیراً دیگر خوب فهمیده‌ایم که چه چیزهایی عبارتست از کمونیسم و القاء ایدئولوژی؟ مثلاً تدارک کوبن برای جیره‌بندی، برای این‌که به مرکز از مردم ایران، یک کله‌قند برد، این شد کمونیسم! این شد کمونیستی و القاء ایدئولوژی کمونیستی! یا این‌که مبارزه با گران فروشی، یعنی محدود کردن «آزادی» به عقیده لیبرال‌ها، سرمایه‌دار باید آزاد باشد، جنسی را که پنج تومان خریدماست پنجاه تومان بفروشد! این‌جا اگر بگویند که: «آقا تو پنج تومان خریدما، خوب دومتومان هم منفعت کن، بفروشی پانزده تومان!» این‌جا دیگر «آزادی» بهم خورده، این «کمونیستی» است! یا اینکه اگر یکی بگوید: «قدرت خوب، مادرت خوب، این دوهزار هکتار زمین را تو از کجا آورده‌ای؟»

از جدت رسیده که تپول گرفته و مردم را جاییده؟ یا خودت؟ دیگر دوهزار هکتار زمین را با عرق جبین نمی‌شود پیدا کرد! یک با میلی‌زده‌ای با شاه رابطه داشتی یا از آنجا گرفته‌ای. این‌ها را الان تقسیم نکن بین دوست خانوار و حشکش دهقان که آن‌ها بتوانند زندگی خودشان را از این بدبختی فلاکت در آورند! همه این‌ها می‌شد «کمونیستی»، همه این‌ها «کمونیسم» است. یعنی کوچکترین طرح اصلاحی، هر قدر هم محدود و بی‌آزار باشد فقط به تریخ قبای سرمایه‌داران و ملاکان بزرگ برخورد می‌کند، این می‌شود «کمونیسم»، «القائ‌ایدئولوژی»، «حزب توده» و «سکو» و «گت‌گت»! خوب، این واقعیت است که در این دعوا که یک طرف آن طبیف ناهمگونی بویژه گرد لیبرال‌ها قرار دارد و در طرف دیگر دولت جمهوری اسلامی، اکثریت مجلس و روحانیت مبارز - ما علی‌رغم انتقادات جدی که به برخی اقدامات دولت و نهادهای انقلابی، چون سپاه پاسداران، کمیته‌ها و دادگاه‌های انقلاب داریم، از طرف دوم پشتیبانی می‌کنیم - چون به عقیده ما دولت جمهوری اسلامی، اکثریت مجلس اسلامی و روحانیت مبارز به طور کلی در جهت منافع مردم ایران گام برمی‌دارد، البته در گروه اول نیروها و عناصری را هم می‌بینیم که، به عقیده ما، جایشان به هیچ وجه در آنجا نیست و می‌باید به کلی در جهت مخالف قرار می‌داشتند و موضع می‌گرفتند. هذالک ما نمی‌توانیم از این تشخیص خودمان سرباز بزنیم که عملگر داین گروه در جهت منفی است، یعنی بمسود ایجاد تزلزل در مقاومت عمومی خلق ما در بزرگترین تیرت تاریخی که در آن الان با امپریالیسم درگیریم، تمام می‌شود. به این جهت موضع گیری حزب مادر این جریان روشن روشن است. صرف نظر از این‌که ادعاهای این با آن طرف به خودی خود درست و قابل تأیید باشد یا نه، ما از تجربه تاریخی هزاران ساله نیروهای مرفعی جوامع بشری آن قدر درس گرفته‌ایم که تمیین کننده ماهیت یا واقعیت این و آن جریان و یا شخصیت سیاسی، تنها شعار نیست، بلکه محتوی عمل آن جریان و شخصیت سیاسی است.

مثلاً چه بانهایی که کارتر و امثال او نمی‌کنند ولی با کمال وقاحت و بی-شرمی ادعا می‌کنند که طرفدار واقعی «حقوق بشر» در دنیا هستند. خوب بین این ادعا و آن واقعیت چند هزار فرسخ فاصله است. بدین جهت ما عادت کرده‌ایم که به این ادعاها توجه نکنیم. یا اگر به ادعای گردانندگان روزنامه «میزان» نگاه کنیم، این‌ها مدعی صمیم پرستی و دفاع از تمام حقوق میهن ما علیه امپریالیسم، دفاع از آزادی‌های واقعی اسلام، دفاع از حقوق محرومان جامعه، و امثال این چیزها هستند. ولی از روز-نامه «میزان» بهر سبب: «آقا ما خارج شما را که می‌دهد؟» خوب خرج روزنامه «میزان» که دیگر خرج نامه «مردم» نیست که با ستار سی‌شاهی بتواند درست شود. با آن هشت صفحه کوچولو خودش! همان تبلیغات اولیه روزنامه «میزان»، قبل از انتشار آن، که در جبهاتش به تمام تیر-های چراغ برق یک تیکه پارچه آویزان کردند، خرج دو سال نامه «مردم» است. یا این‌که ببینیم خود گردانندگان «میزان»، این لیبرال‌ها چه کسانی هستند که آنقدر برای محرومان جامعه سینه جاک می‌دهند و سنگ بر سینه‌شان می‌زنند، ولی در واقعیت تمام گوشه‌نشینان است از حفظ مواضع سرمایه‌داری در ایران. ما می‌پرسیم: «این محرومان مگر مندها دهقان و کارگری نیستند که در زمین‌ها و کارخانه‌های آقایی که این جریانات را می‌گردانند کار می‌کنند و زجر می‌کشند؟» واقعیت آن است که ما در عمل از طرف این مدعیان حمایت از محرومان هیچ چیزی نمی‌بینیم. یا این‌که مثلاً اگر کسانی آمدند و ادعا کردند که: «ما می‌خواهیم در ایران سرمایه‌داری از بین برود. با سوسیالیسم و کمونیسم، ما مخالف هستیم، برای این‌که الحادی است. ولی می‌خواهیم که اقتصاد تویی که در دنیا سابقه ندارد بوجود بیآوریم.» خوب ما با این‌ها چه جور روبرو می‌شویم. می‌گوییم: «بسیار خوب دوستان عزیز سوسیالیسم را که نمی‌خواهید برقرار شود. اما شما که با سرمایه‌داری هم مخالفید، با سرمایه‌داری موجود در ایران چکار می‌خواهید بکنید؟ گفتن این‌که «ما می‌خواهیم سرمایه‌داری نباشد.» این را هر کسی می‌تواند ادعا بکند. برای چه؟ برای این‌که سرمایه‌داری اینقدر بدنام است، اینقدر تنگن و مفتضح است، که دفاع کردن از سرمایه‌داری دیگر فوق‌العاده مشکل است. حتی اقتصاددانان غربی هم مدعی هستند که: «اقتصاد غرب دارد از سرمایه‌داری عدول می‌کند. دیگر سرمایه‌داری نیست. ما می‌رویم به طرف یک اقتصاد مختلط متمرکز!» گفتن این‌که آدم‌ها سرمایه‌داری مخالف است، که کافی نیست. از این آقاییان باید پرسید: «چطور می‌خواهید سرمایه‌داری را از بین ببرید و با محدود کنید؟ این‌جاست که دم‌کسانی که مدعی هستند توری تله گیر می‌کنند. اما مطلب به این‌جا که رسید، فحاشی از طرف این‌ها شروع می‌شود: «شما کمونیستید!»، «شما جاسوسید!»، «شما مأمور ک.ک.ب. هستید!»، «شما خائنین!»، «شما به مصدق چنین کردید!»، «من آن‌هم که رستم بود پهلوان!»، «من چنین کردم!»، «من چند کتاب دارم!»، «من تئوری دارم!»، در حالی که ما فقط یک سؤال ساده کردیم که: «آقا شما که می‌گویید مخالف سرمایه‌داری هستید، این سرمایه‌داری را چطور می‌خواهید از بین ببرید؟ به ما بفهمانید تا ما هم دنبال شما نباهیم. چون ما هم طرفدار این هستیم که سرمایه‌داری در ایران محدود بشود و مطابق قانون اساسی استثمار فرد از فرد از بین برود. ولی اگر کسی آمد و گفت: «به سرمایه‌دارها توصیه می‌کنم که به تسم مردم توجه بکنند و گران نخرند.» خوب وقتی یک کسی چنین پیشنهادی کرد، ما کاری نمی‌کنیم. فقط نگاه می‌کنیم و می‌بینیم که خود آن سرمایه‌دارها نه فقط به تسم مردم توجهی نکردند بلکه قاه قاه خندیدند که چقدر ساده‌بینی لازم هست که «به ما غارت‌گران، به ما زالوهای اجتماعی» یعنی ما که تظاهرات آقای قطب‌زاده را در بازار ترتیب دادیم، به ما بگویند که: «به تسم مردم توجه بکنید و از گران فروشی خودداری بکنید.» می‌گویند: «از این بهتر نمی‌شود، چون هیچ‌کس به کار ما ظاهراً ندارد فقط می-خواهند که ما به تسم توجه کنیم و ما بجای آن می‌خندیم.

به این ترتیب است که به نظر ما مسایل اجتماعی ایران اینقدر مشخص شده، دردهای اجتماعی ما اینقدر مشخص شده که دیگر خیلی ساده می‌توان مدعیان هواداری از خلق را از آن‌ها بی‌که آماده هستند برای خلق کاری انجام دهند و محرومیت خلق را از بین ببرند تشخیص داد. به این ترتیب به طور خلاصه بگویم که ما در مقابل این اختلافاتی که هست به ادعاها توجه نمی‌کنیم، بلکه به ماهیت موضع‌گیری‌ها در تمام این جریانات توجه داریم. به نظر ما چه خوب بود که دیگر نیروها و شخصیت‌های سالم اجتماعی هم که این در کنار لیبرال‌ها قرار گرفته‌اند، به این محتوی توجه می‌کردند. مثل هواداران سازمان مجاهدین خلق که دیگر باید به چشم خود ببینند که در تظاهراتی که مثلاً در مدارس راه می‌اندازند درست یا عوامل و جبهه‌های وابسته به ضدانقلاب در یک جبهه قرار گرفته‌اند، اگر این

واقعت را می‌دیدند و به جای این‌که شعار «اختناق در ایران حکم فرماست!»، «فاسیسم حکم فرماست!»، از خود می‌پرسیدند که: تو در مدرسه برای بستن مدارس، برای ایجاد اغتشاش با که داری در یک جبهه عمل می‌کنی؟ به نظر ما مسایل خیلی زودتر برای‌شان روشن می‌شد. اگر آن‌ها می‌دیدند که در بعضی از تظاهراتی که این‌جا و آن‌جا مثلاً در آمل و رودسر و شهرهای کوچک دیگر تشکیل می‌شود، با ساواکی‌ها، ضدانقلابی‌ها و جبهه‌های مالکین هم صدا می‌شوند، و می‌شنیدند که رادیوهای بختیار و اوسی چگونه از عملیات آن‌ها پشتیبانی می‌کنند، قاعدتاً باید از عمل خود متأسف می‌شدند. در این زمینه حزب ما خود را سر بلند می‌بیند، چرا؟ برای این‌که ما هر وقت به رادیو اوسی، یا بختیار یا رادیو بغداد یا بی‌بی‌سی یا صدای آمریکا گوش بکنیم، می‌بینیم که از اول تا آخرش فحش است به حزب توده، ایران - خوب وقتی چنین چیزی هست، فکر می‌کنیم که حتماً راه درستی داریم می‌رویم. چون راهی که آمریکا با آن مخالف، بی‌بی‌سی با آن مخالف، بغداد با آن مخالف، بختیار با آن مخالف و اوسی با آن مخالف است، حتماً راه درستی است. چون این‌ها دیگر دشمنان شناخته شده، دشمنان بدون رد خورد نطق خلق ایران بلکه تمام محرومان دنیا هستند. حالا ما می‌خواهیم که عدما از این سازمان‌های مدعی، گروه‌های مدعی حمایت از خلق جواب بدهند که چرا کاری می‌کنند که همین دشمنان سرسخت تمام بشریت از آن‌ها تعریف می‌کنند؟ آن‌هم نه یک دفعه به طور تصادفی بلکه به طور مداوم. آیا این یک درس، یک سبک شلاق تاریخ نیست برای شما؟ ما توصیه می‌کنیم به این جوانانی که واقلاً این روش ناسالم را در پیش گرفته‌اند، به ویژه به سازمان مجاهدین خلق که به این مسئله جدا توجه بکنند. توجه به این مسئله باید بیدار کند، باید متوجه کند که خطایی در کار هست. چند شب قبل، رادیو اوسی و دیشب هم رادیو بختیار گفتار فوق‌العاده جالبی داشت. البته این‌ها سبک تمام قوا تنها هدفشان عبارتست از این‌که اینطور وانمود بکنند که: «آقا، حزب توده همه ایران را گرفت!»، «حزب توده تمام خط امام خمینی را دارد اداره می‌کند!»، «اصلاً منکر این خط حزب توده ایران بوده‌است.» «حزب توده تمام دانشجویان خط امام را اداره می‌کند، تمام اکثریت مجلس و حزب جمهوری اسلامی، آخوندهای توده‌های هستند». این‌ها عین کلمات آن‌هاست! حالا عین یک جمله رادیو اوسی را هم برایتان می‌خوانم: «آخوندیسم و تودامیسم از یک آشخوری آب می‌خورند و سر یک ازدها و دو سبک یک در تکه به شمار می‌آیند که همان اتحاد سرخ و سیاه و همان بیگانگی انسان دو استعمار کهن یعنی روسیه و انگلیس است. رادیو اوسی - روحانیت مبارز را نماینده انگلیس می‌داند، رادیو بختیار روحانیت مبارز را نماینده آمریکا می‌داند و البته هیچ‌کدام خود این‌ها نه انگلیسی هستند نه آمریکایی! هم بختیار، هم اوسی و هم شاه و هم اطراف این‌ها همه‌شان میهن پرستان واقعی و بی‌نیو در دنیا هستند! رادیو اوسی - سپس ادامه می‌دهد که «همان اتحاد سرخ و سیاه و همان بیگانگی منافع دو استعمار کهن در ایران نشانه‌های بارز همکاری آخوندیسم و تودامیسم است که از نخستین روزهای فتنه خونبار خط خمینی به چشم دیدیم و امروز شاهد اوج گرفتن این همکاری مخوف هستیم، به گونهای که به سادگی می‌توان از توده‌های آخوند و آخوندهای توده‌های سخن گفت و وحدت منافع همکاری سیاسی و ژئوپلیتیک دو استعمار سرخ و سیاه را سرچشمه وحدت کلمه و وحدت عمل آخوندیسم و تودامیسم دانست. مفاهیم مشترک در سخنرانی‌های آیت‌الله نورالدین کیانوری و رفیق سید محمد حسین بهشتی از همین همکاری سیاسی و ژئوپلیتیک دو ارتجاع سیاه و سرخ سرچشمه می‌گردد. خوب ما از این، این نتیجه را می‌گیریم و متل این‌که باید چنین نتیجه گرفت - که وقتی اوسی چنین چیزی را می‌گوید، یعنی امپریالیسم آمریکا و با هم دیگر چنین ارزیابی را دارند که سیاست هواداران خط خمینی سیاست درستی است، امپریالیسم را تحت فشار قرار داده است و ضربه به آن وارد می‌کند. ما همچنین به این نتیجه می‌رسیم که خط حزب ما در پشتیبانی از خط امام خمینی، در پشتیبانی از موضع گیری ضد امپریالیستی، خلقی و انسانی امام خمینی، موضع گیری کاملاً درست و بی‌خشم‌های است. موضع گیری است که امپریالیسم را به زوزه در آورده است، حالا ببینیم که خوب چه چیزهایی باعث خرد این‌ها شده است؟ رادیو بختیار در ۲۳/۹/۵۹ گفته است: «محمد موسوی خوئینی‌ها آخوند توده‌های و معاون مجلس به اصطلاح اسلامی به سفیر کوبا در ایران گفته است که آرزو دارد سفارت جمهوری اسلامی در هاوانا پایتخت کوبا هر چه زودتر دایر شود». ببینید چه چیز در نظر این‌ها حیاتی است؟ این‌که سفارت جمهوری اسلامی در هاوانا، در پایتخت کسوری که یک انقلاب تاریخی در دنیا کرده برقرار شود، این برای آن‌ها «کمونیسم» است. رادیو بختیار در جای دیگر گفته است: «بتن بیمان حمل کالا از طریق روسیه شوروی و برقراری روابط نزدیکتر سیاسی با کوبا حداقل سیاسی جهان را متوجه این نکته کرده است که آخوندها بسیار به کمونیست‌ها نزدیک شده‌اند». یعنی اگر کشوری مستقل بود و خواست که از محاصره اقتصادی که تمام امپریالیسم جهانی، همان «محافل سیاسی جهان... که متوجه این نکته شده‌اند»، راهی برای خودش باز بکند که بتواند دارو و چیزهای دیگر مورد احتیاج خود را بیاورد، این دیگر «کمونیسم» است. رادیو بختیار ادامه می‌دهد: «آنچه که شگفتی این محافل را بر-انگیخته این است که چگونه آخوندهای خود را مذهبون پروپاگاندی می‌داند، و معرفی می‌کنند، با کشورهای کمونیستی که از بیخ و بن خدا را قبول ندارند چنین نزدیکی می‌کنند! خوب واقفاً وقتی که آدم این‌ها را می‌خواند و آن وقت در تبلیغات این جبهه مخالف که الان تشکیل شده، جبهه هواداران به اصطلاح «آزادی» مطلق لیبرالیسم در ایران، می‌بیند که عین این حرفها تکرار می‌شود، و در تئوری «القائ‌ایدئولوژی» هم عین همین حرفها تکرار می‌شود که «توده‌های رفته‌اند به سمت آخوندها»، «آخوندها عدما می‌توان توده‌های شده‌اند» و «توده‌های دارند سیاست خود را به دست آخوندها اعمال می‌کنند»، تعجب می‌کند که این‌ها واقفاً نزدیکی و تطابق نظریات خود را با مراکز جنایت و خیانت به انقلاب ایران چگونه توجیه می‌توانند بکنند. وقتی از این آقاییان سؤال می‌کنیم «این را چگونه توجیه می‌کنید؟» می‌دانید جواب آن‌ها به این سؤال است چیست؟ «خائنین! مزدوران اجنبی! شما که از سکو پول می‌گیرید! شما که از ک.ک.ب. دستوری می‌گیرید! شما که به مصدق خیانت کردید و خنجر زدید!» به عبارت دیگر آنها یک سلسله از لاف‌تالانی را که ساواک حساب دربار» ما گفته است، تکرار می‌کنند: «به این ترتیب هر قدر این مسایل بازتر و مبارزه در داخل و در خارج ایران حادث می‌شود، بیشتر به درستی موضع گیری که ما از آغاز این مبارزه انتخاب کرده‌ایم بی‌بی‌بی‌بی. ما معتقد هستیم که در این نبرد دشواری که بین ست‌گیری انقلابی و ست‌گیری سازشکارانه و تسلیم طلبانه، به امپریالیسم روس می‌باش، عنصری لحظاتی سخت و دوران‌های بحرانی که بدون شک در میان خواهد بود، جنبه‌ی انقلابی ایران مسلماً عمیق‌تر و پهناتر و نیرومندتر از آن‌هاست که در این نبرد شکست بخورد. ما معتقد هستیم که در این نبرد پیروزی تازه و وسیع‌تر و پربادمنتری علیه سازشکاران و تسلیم طلبان پیدا خواهد شد و تمام تلاش حزب ما هم در همین جهت است. منتها تلاش حزب ما در بر-خورد با نیروهای مختلف یا بخش‌های مختلف، با عناصر مختلفی که در این جبهه قرار گرفته‌اند، همان طور که من بارها تکرار کرده‌ام، به کلی متفاوت است. برای آن‌ها بی‌که گول خورده‌اند، به اشتباه در دام این تبلیغات افتاده‌اند یا این‌که در چهارچوب تنگی به مسائل برخورد می‌کنند و مسایل را در کل خود مورد توجه و بررسی قرار نمی‌دهند، برخورد ما برخورد روشنی، برخورد تلاش بی‌گبر برای آسودگی آن‌ها را روشن بکنیم و آن‌ها را از دامی که در آن افتاده‌اند بیرون بکنیم و ما از این سمت‌گیری نادرستی که انتخاب کرده‌اند آن‌ها را به راه درست بیاوریم، برخورد ما با عناصری که معتقد هستیم روی منافع طبقاتی خود آگاهانه

# طبقه کارگر ایران در برابر تجاوز آمریکائی صدام از میهن انقلابی خود دفاع می کند!

از آغاز جنگ تجاوزکارانه رژیم جنایتکار صدام علیه انقلاب ایران بیش از دو ماه می گذرد. این تجاوز همه جانبه، که در جهت منافع امپریالیسم جهانی و در رأس آن امریکای جنایتکار، سازمان داده شد، تنها بخشی از سلسله توطئه های جهانخواهان امریکایی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران است. این توطئه ها ظاهراً می باید نظام نوینی را، که مستقیماً استقلال و آزادی ایران و نابود کننده ستم فئودالها و سرمایه داران بزرگ است، از پای در آورد تا از نو جیره خواران امریکادار قتلگاه مردم آزاده و زحمتکش ایران گرم غارت و خونریزی شوند.

بدیهی است که در برابر این هجوم شیطنی، خلق متحد و یکپارچه ای قرارداد است که پیش از آن بسیاری از دسیسه ها را با هشیاری و فدakarی بی-انترکده میبرد. جنگ ما با امریکای جنایتکار و با امپریالیسم جهانی، جنگی است که بی شک به پیروزی منتهی خواهد شد. اما امریکائی که با توطئه های خود، در حالی که بیستی از میهن خود را در اختیار دارد، با توطئه های خود، در حالی که بیستی از میهن خود را در اختیار دارد، با توطئه های خود، در حالی که بیستی از میهن خود را در اختیار دارد...

در این میان زحمتکشان و بیوزره طبقه کارگر ایران، طبق سنت تاریخی و با مهارت ضد استعماری و ضد امپریالیستی خود، بیستابیش همگان به مبارزه برخاستند. از شرکت گسترده در خط مقدم جبهه تا پاسداری از کارخانه ها و انبارها، در حالی که بیستی از میهن خود را در اختیار دارد، با توطئه های خود، در حالی که بیستی از میهن خود را در اختیار دارد...

در این لحظات سرنوشت ساز، انقلاب و جمهوری اسلامی و میهن عزیزمان مورد تجاوز رژیم ضد مردمی صدام خائن قرار گرفته است. میدانیم که امریکای زودبها دست از سر ما برنمی دارد و جنگ راهزانه عراق با ایران هم جزئی از نقشه امریکای برای زانو در آوردن ماست و باید با انبارها و خودگردگشتی ما کارگران، در جبهه و پشت جبهه، توطئه های شوم امپریالیسم و صهیونیسم را در هم بکوبیم. وظایف ما کارگران از جمله عبارتند از: از یاد بیستی از پیش تولید داخلی، ترسیم سریع خرابی های ناشی از جنگ و مراقبت از کارخانه ها و کارگاهها در برابر خرابی های عمدی ضد انقلاب و جلوگیری از تاراجاتی های که به وجود می آید، و بالاخره هر جا که لازم است، شرکت در خط مقدم جبهه دوشادوش برادران پاسداران و تشکیلات انقلابی مومن و مسلمان برای سرکوب نیروهای نظامی دشمن.

بدین خاطر ما کارگران آجر ماشینی قسم، عهد می بندیم تا آخرین قطره خونمان از انقلاب و جمهوری اسلامی و کشورمان دفاع کنیم و بهمن منظور تا کتون ۴ نفر از همکارانمان به جبهه جنگ پیوسته اند و ۸ نفر باقیمانده مبلغ ۱۰۱۰۰۰۰ ریال را بعنوان هدیه تا جیز تقدیم جنگ زدگان میکنیم و با تمام توش و توان خود برای پیروزی در جنگ خواهیم کوشید.

درد و برهاسداران و ارتشیان انقلابی و قهرمان مسلمانان ایران! نابود باد توطئه های امپریالیسم امریکای و تجاوز رژیم بعثی عراق! پیروز و یابنده باید انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بمرهبری امام خمینی!

**شورای متحد پالایشگاه تهران:**

**با توزیع روغن موتور بوسیله اداره بخش وزارت نفت، دست واسطه ها را کوتاه کنید**

شورای متحد پالایشگاه تهران در تاریخ ۵۹/۸/۱۳ طی نامه ای به مسئولین وزارت نفت، که رونوشت آن جهت درج در اختیار خرابید قرار گرفته، با بررسی علل کمبود روغن موتور در بازار، خواستار توزیع و بخش آن از طریق اداره بخش وزارت نفت شده است. در این بیانیه می خوانیم:

شورای متحد پالایشگاه تهران بر طبق اطلاعات بدست آمده، بدین

حمایت از انقلاب اسلامی ایران برخیزند و ما را در بهر شمر رسیدن انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی یاری نمایند.

**کارگران آجر ماشینی قسم:**

**نابود باد توطئه های امپریالیسم امریکا و تجاوز رژیم عراق**

شورای کارگران کارخانه آجر ماشینی قسم طی بیانیه ای که رونوشت آن جهت درج به جرایدار سال شده، ضمن بر-شمردن وظایف کارگران در شرایط سختی، تاکید کرده که این کارگران تا آخرین قطره خون از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران دفاع خواهند کرد. در این بیانیه می خوانیم:

آته جنگهای طولانی تری داشته باشیم، ملت ایران مقاومت می کند و باید مقاومت کند.

در این لحظات سرنوشت ساز، انقلاب و جمهوری اسلامی و میهن عزیزمان مورد تجاوز رژیم ضد مردمی صدام خائن قرار گرفته است. میدانیم که امریکای زودبها دست از سر ما برنمی دارد و جنگ راهزانه عراق با ایران هم جزئی از نقشه امریکای برای زانو در آوردن ماست و باید با انبارها و خودگردگشتی ما کارگران، در جبهه و پشت جبهه، توطئه های شوم امپریالیسم و صهیونیسم را در هم بکوبیم. وظایف ما کارگران از جمله عبارتند از: از یاد بیستی از پیش تولید داخلی، ترسیم سریع خرابی های ناشی از جنگ و مراقبت از کارخانه ها و کارگاهها در برابر خرابی های عمدی ضد انقلاب و جلوگیری از تاراجاتی های که به وجود می آید، و بالاخره هر جا که لازم است، شرکت در خط مقدم جبهه دوشادوش برادران پاسداران و تشکیلات انقلابی مومن و مسلمان برای سرکوب نیروهای نظامی دشمن.

بدین خاطر ما کارگران آجر ماشینی قسم، عهد می بندیم تا آخرین قطره خونمان از انقلاب و جمهوری اسلامی و کشورمان دفاع کنیم و بهمن منظور تا کتون ۴ نفر از همکارانمان به جبهه جنگ پیوسته اند و ۸ نفر باقیمانده مبلغ ۱۰۱۰۰۰۰ ریال را بعنوان هدیه تا جیز تقدیم جنگ زدگان میکنیم و با تمام توش و توان خود برای پیروزی در جنگ خواهیم کوشید.

درد و برهاسداران و ارتشیان انقلابی و قهرمان مسلمانان ایران! نابود باد توطئه های امپریالیسم امریکای و تجاوز رژیم بعثی عراق! پیروز و یابنده باید انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بمرهبری امام خمینی!

**شورای متحد پالایشگاه تهران:**

**با توزیع روغن موتور بوسیله اداره بخش وزارت نفت، دست واسطه ها را کوتاه کنید**

شورای متحد پالایشگاه تهران در تاریخ ۵۹/۸/۱۳ طی نامه ای به مسئولین وزارت نفت، که رونوشت آن جهت درج در اختیار خرابید قرار گرفته، با بررسی علل کمبود روغن موتور در بازار، خواستار توزیع و بخش آن از طریق اداره بخش وزارت نفت شده است. در این بیانیه می خوانیم:

شورای متحد پالایشگاه تهران بر طبق اطلاعات بدست آمده، بدین

نتیجه رسیده است که مقدار زیادی از مشکلات کمبود روغن موتور در بازار و در نتیجه ایجاد بازار سیاه برای آن، معلول وجود واسطه های توزیع و بخش روغن موتور بطور عمده از طریق شرکت های است که بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی، مان به مدیریت دولتی درآمد دارند و از سرمایه داران بزرگ آن نظر سروس فرمانفرماشیان طلب مالکیت شده است. این شرکت ها عبارتند از شرکت نفت پارس و شرکت تولید روغن موتور ساسو. بنابراین باید ترتیبی داده شود که توزیع و بخش تولیدات این شرکت ها نیز از طریق بخش خصوصی، بلکه بوسیله اداره بخش وزارت نفت انجام گیرد، تا به این ترتیب در صورت مازاد روغن سایر اولویت های زمان جنگ برای مصارف ماشین های شخصی هم بتوان از طریق پمپ های بنزین، روغن موتور آن ها را جیره بندی و توزیع کرد.

**در کارخانه زمزم:**

**کوشش برای پیشبرد انقلاب مورد نظر کارکنان است**

روز پنجشنبه ۵۹/۸/۱ به دعوت مدیر کارخانه زمزم (پبسی کولا) کارکنان در سالن تاهار خوری جمع شدند. مدیریت کارخانه ضمن تشریح وضع فوق العادمو جنگی، از کارکنان خواست که از ضایعات جلوگیری کنند و تولید را در این شرایط افزایش دهند تا بتوانند سهم ناچیزی در این جنگ ادا کنند.

مدیر شورای کارخانه نیز، ضمن تشریح عملکرد شور در چند ماه گذشته، اعلام کرد که کارکنان باید جهت مبارزه با امپریالیسم امریکا، با کوشش بیشتر در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی ایران و کارخانه کوشند.

این جلسه که مدت ۳۰ دقیقه (از ۷ تا ۷:۳۰ بامداد) طول کشید، در پایان با شعار:

مرگ بر صدام و امپریالیسم امریکای پایان یافت.

**کارکنان گروهی از کارخانه ها و شرکتهای خیابان آزادی تهران:**

**از سپاه پاسداران می خواهیم در کارخانه ها و کارگاهها هسته های مقاومت کارگری را سازمان دهد!**

چندی پیش، از سوی کارکنان گروهی از شرکت ها، تعمیرگاه ها و کارخانه های خیابان آزادی تهران، در ارتباط با تجاوز رژیم صدام به میهن ما، اطلاعیه ای به شرح زیر انتشار یافت:

"در هر نقطه که هستید، مردم را برای جنگ با امریکا و اذیتاب خونخوارش چون عراق آماده کنید." (امام خمینی) اینک شیطان بزرگ امریکا، به دست رژیم صدام حسین و کمک کشورهای وابسته و مترجم منطقه، جنگی ناخواسته را به ملت قهرمان ما تحمیل کرده است. بایستی برای خنثی کردن تمامی توطئه های امریکا و اعمال داخلی و خارجی او برای پیشبرد انقلاب اسلامی ایران و پیروزی بر رژیم مزدور عراق، هوشتیاری انقلابی خود را حفظ کرده و متحدانه دفاع از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران برخیزیم. ما کارگران و کارکنان امضا کننده، زیر پیشانی قاطع خود را از برادران انقلابی ارتشی و سپاه پاسداران و کلیه نهاد های انقلابی و تمامی مبارزان واقعی میهن عزیزمان اعلام می داریم

و از کلیه نهادهای انقلابی و مخصوصاً سپاه پاسداران خواستار توجه بیشتری در دادن آموزشهای نظامی و تشکیل هسته های مقاومت در کارخانه ها و کارگاهها (و از جمله شرکتها و کارخانه های امضاء کنندگان) می باشیم. تا به این ترتیب، تمامی کارگران میهن هم با تولید بیشتر و هم با مادگی نظامی خود گامهای شستی در جهت مبارزه علیه شیطان بزرگ امریکاداریم و به اینصورت، بقول امام مملکتی اسلامی و نظامی داشته باشیم.

آری، بقول امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران: "ای دریای بیکران انسانها در مقابل امریکا دشمن شماره یک مستضعفین جهان و تمامی اعمال داخلی و خارجی آن بیاد خیزد."

انجمن اسلامی زمزم (پبسی کولا)

کارخانه شمع سازی ستاره

کارخانه موزائیک سازی نور محمدی

کارگران تعمیرگاه شماره ۱ اتوبان تهران

تعمیرگاه مجاز شماره ۲۰ بیگان

تعمیرگاه شماره ۴۹ بیگان

شرکت سهامی رادیو و تلویزیون ایران

انبار و تعمیرگاه مرکزی کندی و برانت

تعمیرگاه مرکزی فولکن ماشین

انجمن اسلامی و کارکنان مرکز فنی

ارتوبدی (جمعیت هلال احمر)

کارکنان گروه صنعتی کفش ملی

## استاد قدرت، نجار با سابقه سمنائی: آمریکا دشمن اصلی انقلاب ایران است

برای اطلاع از وضع کارگران زحمتکش نجار شهرسمان، بایکی از آنها بنام استاد قدرت به گفتگو نشستیم. او گفت: مدت چهل سال است که نجار هستم و همواره با زندگی سختی دست به گریبان بوده ام. در حال حاضر باید شش نفر را نان بدهم و در این شرایط، با این گرانی ترس آم آور، واقعا زندگی کردن مشکل است.

استاد قدرت در دنباله سخنانش اظهار داشت: "برای کار کردن احتیاج به وسائل کار دارم، ولی این نوع وسائل یافت نمی شود. و اگر هم پیدا شود، آنرا به چند برابر قیمت اصلی می فروشند."

از او پرسیدیم: چرا تنها کار نمیکنی؟ او گفت: "اگر بکنم، نمیتوانم کمک بیاورم، باید همه کارها را به تنهایی انجام دهم، تا بتوانم زندگی خویش را به پیش ببرم."

از استاد قدرت در مورد اتحادیه نجارها پرسیدیم، گفت: "قبل از انقلاب یک اتحادیه داشتیم، ولی پس از



استاد قدرت: لازمه پیروزی بر امپریالیسم امریکا، وحدت یکپارچه خلق است.

پیروزی انقلاب، اتحادیه برچیده شد. در حال حاضر ما فقط یک شرکت تعاونی داریم، که آنهم بدرد ما نمی خورد. چون وسائل مورد احتیاج را در اختیار ما قرار نمی دهد. پس نظر استاد قدرت را در مورد جنگ حدیاسیدیم. او گفت:

"با جنگ مخالفم و باید همه جا صلح برقرار شود. این جنگ هم به ما تحمیل شده است. همه باید جدا شدند که امپریالیسم امریکا دشمن اصلی انقلاب ما است و هم اوست که عراق را تحریک به تجاوز علیه کشور ما کرده است."

او اضافه کرد: "کسانی که در جبهه جنگ شرکت ندارند، وظیفه دارند که به رزمندگان جبهه کمک کنند. باید همه ما هشیارانه عمل ضد انقلاب داخلی را خنثی کنیم و همواره جلوی ضایعات تفرقه افکنانه دشمن را بگیریم."

استاد قدرت در پایان اظهار داشت که: "لازمه پیروزی ما بر امپریالیسم امریکا، وحدت یکپارچه خلق است. همه افرادی که موافق انقلاب هستند، باید علیه ضد انقلابیون متحد شوند، تا به این وسیله بتوانیم دشمن را از خاک خود برانیم."

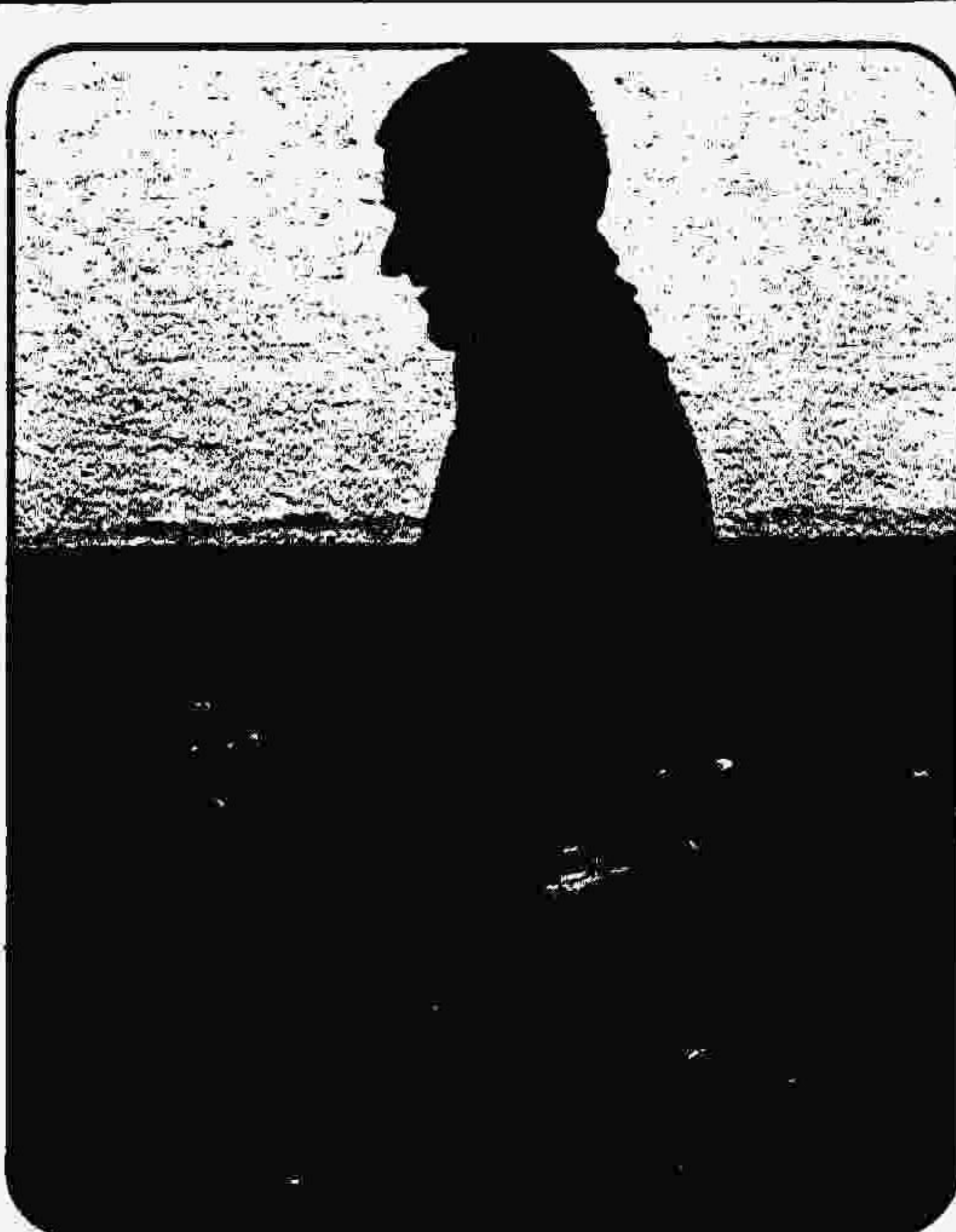
# مشکلی در مقابل روند انقلاب

مسئله تعویق موقتی اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی و کاهش فواید هکت‌های هفت نفری به یکی از مسائل حاد جامعه ما و یکی از مهم‌ترین مسائل روستاهای ایران بدل شده است. درباره این مسئله سار مهم طی جلسه "پوشش و پاسخ" ۶ آذر ۵۹، ستوایی از رفیق کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران مطرح شد، که متن آن و پاسخش در شماره ۳۸۵ نامه "مردم" انتشار یافت.

عین متن این "پوشش و پاسخ" را در این صفحه بار دیگر چاپ می‌کنیم:

س: با اطلاعاتی که اخیراً رسیده‌ام صحبتی که آقای دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور در مورد قانون اصلاحات ارضی و فعالیت کمیسیون‌های هفت نفری کرده‌اند، ظاهراً بخش مهمی از قانون اصلاحات ارضی که همان ماده "ج" مربوطه است، یعنی تقسیم اراضی بزرگ مالکان بین دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، مسکوت گذاشته شده و به بعداز جنگ و به شرایط مساعدتری موقوف شده است. نظر حزب توده ایران در این مورد چیست؟

ج: نظر ما در این مورد کاملاً روشن است. ما در پیشنهاد تشکیل "جبهه متحد خلق" که بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب مطرح گردید و نیز پیش از آن در دوره‌های طولانی قبل از پیروزی انقلاب، همیشه مسئله نابودی بقایای رژیم ارباب-رعیتی و رژیم فئودالی را که بزرگ مالکی یکی از مهم‌ترین ارشدهای آن و یکی از عناصر آن است - بعنوان یکی از لازم‌ترین و مهم‌ترین اقدامات برای هرگونه تغییر بنیادی در نظام وابسته اقتصاد ایران ارزیابی کردیم و همیشه اصرار داشتیم که اولین اقدام یک دولت انقلابی که بخواهد به سود توده‌های دهها میلیونی زحمتکش و محرومان ایران عمل کند، عبارتست از انجام اصلاحات ارضی. اصلاحات ارضی فقط اهمیت اقتصادی ندارد، بلکه اهمیت سیاسی هم دارد. یعنی تا وقتی که بزرگ مالک در روستاهای ایران تمام اقتصاد را در چنگال خود دارد، دیکراسی و آزادی غیر ممکن است. بتواند به روستا راه یابد. بزرگ مالک تمام شریان‌های اقتصادی یک روستا را در دست دارد و می‌تواند تمام سیاست روستا را منحرف از هدف قدرت خودنگاه دارد و مانع از آن شود که مفهوم آزادی اصلاً در آنجا پیاده شود. شرط اول و ضروری برای این که آزادی اکثریت بیش از صحت درند جامعه ایران، یعنی دهقانان که بیش از نیمی از آنها بی‌زمین و کم‌زمین هستند، - آزادی‌هایی که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تضمین کرده در روستا - ها به دست آید، این است که سالیانه جنایت‌بار و تحس ملاًکسان بزرگو غارتگر جامعه ایران از سر روستاهای ایران کم شود. به همین دلیل هم در تمام انقلاب‌هایی که در کشورهای نظیر ایران به وقوع پیوسته و تغییرات بنیادی در جامعه بوجود آورده‌اند، یکی از اولین کارهایی که انجام گرفته، اصلاحات ارضی بوده است و تا اصلاحات ارضی صورت نگیرد، انقلاب به معنی واقعی خود روی تصویب نامها، اطلاعات و برنامه‌ها باقی خواهد ماند. به این ترتیب ما متاسفانه از این که نیروهای مترجم روستا، بزرگ مالکان و لیبرال‌ها و ضد انقلاب که از همین‌ها پشتیبانی می‌کنند، در نتیجه فشار فوق‌العاده زیاد خود موفق شده‌اند انجام این



مش‌حسن کارگر کشاورزی (بخش بهار همدان) مشغول پاشیدن بذر است، اما روی زمین دیگران، او منتظر است که هیئت واگذاری زمین، به او زمین بدهد. می‌گوید: در خیلی سال پیش ۲ کوهان (۱۶۰۰ متر) زمین داشته، ولی چون به پول احتیاج پیدا کرده، مجبور به فروش زمین خودش است. بعثت فصلی بودن کار کشاورزی، او مجبور است که مدتی این‌گونه زحمتکش بی‌زمین به پیشرفت تولید و بهبود زندگی روستائیان باید کمک کرد.

انقلاب بزرگ ایران مش‌حسن‌ها را امیدوار کرده است که بتوانند صاحب زمین بشوند. باید این خواست بحق را برآورده ساخت.



در روستای "قره‌لر" از توابع باراندوزجای، واقع در ۱۵ کیلومتری ارومیه، ۴۰ خانوار، یعنی حدود ۳۰۰ نفر زندگی میکنند. ۸ خانوار این روستا بی‌زمین و بیش از ۱۰ خانوار دهقانی کم‌زمین هستند. در عین حال مالک عمده در این ده دارای ۱۰۰ طناب (۴۰ هکتار) زمین است.

اهالی روستا ۵ نفر را بعنوان شورای ده انتخاب کرده‌اند. اخیراً از طرف هیئت ۷ نفری سیاه‌فرا دبی‌زمین و کم‌زمین روستا همچنین - با تعیین عرف محل و طبق قانون - اندازه و وسعت زمین ارباب معین گردیده است.

دهقانان تهیدست با بی‌صبری منتظر اجرای واگذاری زمین به آنان هستند و معتقدند که منطقه آنها کاملاً مساعد برای اجرای قانون است، و بنا بر این ادامه فوری وقایع کار هیئت هفت نفری را طلب میکنند. از این راه دهقانان از قید زنجیر سارتی که سالیان دراز بزرگ مالک‌ها بیای آنان بسته بودند، رها می‌خواهند بیاقت و در جهت خودکفایی کشا ورزی کوشش خواهند کرد.

بهرام گرمی، بی‌زمره تقریباً ۸۰ ساله است که دارای چهار فرزند و بطور کلی ۳۲ نفر اهل و عیال (نوه و فرزند) است. آنها همه با هم زندگی میکنند. ۱۰ نمونه‌ای از چند نسل دهقانانی است که دل پیری از ظلم و جور ارباب دارند. گرمی می‌گوید:

"من حدود ۱۲ سال پیش ۳ طناب (کمی بیش از یک هکتار) زمین از اراضی ارباب را کشت کردم. از آن موقع تا کنون من همیشه متحمل مخارج کشت، از قبیل تهیه بذر، کود و غیره بوده‌ام. سرمحصول، ارباب، که هیچ کاری نمی‌کرده، نصف آنرا تصاحب میکرد و فقط نصف دیگر مال من میشد. او درباره خواستهایم از انقلاب می‌گوید: "از دولت ما انتظار داریم که ما بخواهیم روزانه ما را تامین کند. روغن نا یاب است و همه چیز گران است. روغن، کبریت، برنج و غیره را نمی‌توان خرید. واقعاً کم‌روشکن است."

حالاً البته جنگ است و وضع سخت. اما همان‌طور که امام خمینی هم گفتند، مسئولان باید بفکر مردم باشند و این مسائل را حل کنند. روستاها پشت جبهه ماست و باید از نظر تولیدی تقویت شود. مثلاً اگر مشکلات عمده دهقانان روستای "قره‌لر" از نظر کمبود آب زراعی و نبودن امکانات سمپاشی و مبارزه با آفات حل شود، تولید بالا خواهد رفت و نقشه آمریکا شکست خواهد خورد. به همین جهت دهقانان بحق از دولت خواستار امکانات لازم برای ترقی کشا ورزی و ازدیاد محصول و بیمه محصولات در برابر آفات و بلاها هستند. تا بتوانند در جهاد کشاورزی فرموده امام شرکت کنند و بر روی زمین‌هایی که حق آنهاست و در نتیجه اجرای فوری و کامل قانون، مال آنها خواهد شد، بسود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، به کار و کوشش بپردازند.

# تاخیر در اجرای قانون اصلاحات ارضی تنها سود ضد انقلاب است

روستای کوچک دی زار از بخش طغرود، در شهرستان قم در ۸ کیلومتری جاده ساوه قرار دارد. در این روستا ۹ خانوار ساکن هستند و جمعیت آن به ۶۳ نفر میرسد. کار روستائیان کشاورزی و دامداری است. در این روستا ۱۰۰ هکتار زمین زیر کشت است و به هفت خانوار تعلق دارند. ترکیب مالکیت بر اراضی زیر کشت بگونه‌ای است که فی‌المثل یک خانوار صاحب ۳۰ هکتار، دیگری ۱۵ هکتار و سومی ۳ هکتار است. همچنین مقدار ۳۰۰ هکتار زمین با برادر این روستا وجود دارد. در روستای دی‌زار نیز ۳۰۰۰ راس گوسفند موجود است که برخی از خانواده‌های روستایی بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ گوسفند دارند. با استفاده از بتدهای الف و ب، قانون‌میتوان ۳۰۰ هکتار زمین را به دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین داد و کشاورزی و دامداری را تشویق و تحکیم کرد.

روستای دی‌زار فاقد درمانگاه و خانه بهداشت و دیگر امکانات درمانی است. این روستا همچنین آب لوله‌کشی و برق ندارد. روستائیان به هنگام بیماری و برای مداوا باید ۱۳ کیلومتر راه تا گازرون طی کنند. آب مصرفی روستائیان از قنات حامین می‌شود. نکته قابل ذکر اینکه از سوی جهات بهداشتی ماهیانه پزشک به روستا مراجعه می‌کند.

روستای دی‌زار دارای حمام بهداشتی است و نیز توالی بهداشتی از سوی جهاد در این روستا ایجاد شده است. نکته دیگری که باید ذکر گردد اینست که تاکنون چندین بار بوسیله کمیته پزشکی جهاد جلسات سخنرانی درباره ثمرات انقلاب و تشویق روستائیان به حفظ دستاوردهای انقلاب برپا گردیده است.

در این روستا مدرسه ابتدایی وجود دارد و تعداد دانش‌آموزان آن ۱۳ نفر است. خواستار اساسی روستائیان زحمتکش اجرای قانون اصلاحات ارضی و واگذاری عادلانه اراضی به آنان است. آنان همچنین خواستار رنوسازی روستا و تامین امکانات رفاهی هستند.

در این شرایط، که اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی متأسفانه - اگرچه موقتی - بتأخیر افتاده است، در روستای دی‌زار میتوانی باید هر چه زودتر و سریعتر بتدهای الف و ب را به اجرا درآورد و مثلاً با واگذاری ۳۰۰ هکتار زمین بایر بتطور مشاع و تشویق روستائیان به کار تیمی و نیز ارائه وسایل و امکانات کار ب روستائیان این اراضی را به زیر کشت برد. این خواست زحمتکش و خواست رهبران انقلاب است که با رسیدگی مجدانه به وضع روستاها، این رنجبران و محنت‌کشندگان بتوانند با خیال آسوده به وظیفه بزرگ خود ادامه دهند. دشمنان انقلاب را سرکوب کنند و راه حرکت انقلاب را هموار سازند. دهقانان از جهاد و از کمیته پزشکی جهاد در برپایی جلسات سخنرانی سیاست‌گزارند. لازم است که اینگونه اقدامات به همه روستاها گسترش یابد، تا موجب ارتقاء سطح آگاهی روستائیان زحمتکش گردد.

# خلق السالوادور می رزمند

سرکوبگری ضد انسانی رژیم نظامی السالوادور، هفته‌ها و ماه‌هاست که روزانه به قیمت جان ده‌ها میهن‌دوست این کشور تمام می‌شود. بموجب برآورد منابع کلیسای السالوادور، از آغاز سال جاری میلادی (۱۱ دیماه) تاکنون بیش از ۵۵۰۰ نفر به‌هلاکت رسیده‌اند. بیشتر قربانیان ترور ارگان‌های

اجساد میهن پرستان نامبرده، چندی بعد در شهر "سان میگوئل" واقع در ۱۳۵ کیلومتری شرق سان سالوادور پیدا شدند. "دو" در این اظهاریه، همچنین ادامه کمک اقتصادی و نظامی واشنگتن را به رژیم خونخوار محکوم ساخت.

بگزارش منابع مکزیکی، سفیر ایالات متحده آمریکا در سان سالوادور همین چند روز پیش ۲۷ میلیون دلار دیگر بعنوان اعتبار به رژیم خونخوار پرداخت.

چندی پیش، "ماتوتینو"، روزنامه پانامایی، نوشت که ایالات متحده آمریکا، با استفاده از پایگاه‌های خود در منطقه کانال پاناما، نه تنها به پروازهای جاسوسی علیه نیکاراگوئه و دیگر کشورهای آمریکای لاتین - مبادرت می‌ورزد، بلکه به خونخواری السالوادور نیز کمک نظامی می‌رساند. "ماتوتینو"، بدستی، اقدامات



نامبرده را نقض مکرر قراردادهای کانال پاناما نامید. تنها در سه چهار هفته اخیر، هواپیماهای باربری ایالات متحده آمریکا، در ۱۳۷ پرواز اسلحه، تجهیزات نظامی و مهمات به السالوادور آوردند.

در این میان، سازمانهای مسلح انقلابی، که از پشتیبانی اکثریت مردم السالوادور بهره‌مند هستند، پیگیر پیگیری و خستگی ناپذیر خود را تقویت می‌بخشند. هر چند "خونخوار" می‌کوشد تا درباره پیروزیهای جنیش خلق سکوت اختیار کند، ولی بگزارش مطبوعات مکزیکی، چریک‌های السالوادور در هفته‌های اخیر حداقل ۱۸ بار نیروهای "خونخوار" را درگیر ساخته و بسیاری از موسسات اقتصادی متعلق به "۱۴۴ فامیل" السالوادور را منهدم کرده‌اند.

چنانکه "اپوزیسیون"، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست مکزیکی، مینویسد، مبارزه انقلابی خلق السالوادور، پس از اعتصاب عمومی تابستان امسال وارد "مرحله تعیین کننده‌ای" شده است. این روزنامه می‌افزاید که، پیکار نیروهای چپ و کمیته‌های دفاع، برهبری "جبهه" دمکراتیک انقلابی، هر چه بیشتر توان می‌یابد.

ما اطمینان داریم که نیروهای خلقی و انقلابی السالوادور سرانجام به رژیم نظامی و الیگارشی سرکوبگر و وابسته به امپریالیسم السالوادور پیروز خواهند شد.

## پس از گشتار

"امنیتی" و نیروهای ویژه "خونخوار" باند‌های شبه نظامی محافظ راستگرای الیگارشی السالوادور، اعضا و هواداران سازمانهای خلقی، مسئولان سندیکاها و رهبران مترقی دانشجویی بوده‌اند، که برجستگان آنها آثار شکنجه‌های دهشت‌انگیز دیده‌شده است. طبق برخی گزارش‌هایی که در ایسن او آخر از این جمهوری واقع در آمریکای مرکزی واصل گردیده است، بسیاری از این قربانیان، زنان، کودکان و کلانسالان بیگناهی بوده‌اند. که در حین عملیات "پاکسازی" دهات السالوادور به‌هلاکت رسیده‌اند. برای نمونه، در تاریخ ۱۸ تیر امسال، سربازان "گارد ملی" و اعضای یک باند "انتظاماتی" - شبه نظامی، در یکی از عملیات "پاکسازی" قریه "ماخوتس" واقع در ناحیه "تاکلیپو" را محاصره کردند. پس از از غارت و چپاول اهالی قریه، هر سی عضو خانواده "سانتوتس" را بقتل رساندند. در میان کشته شدگان، پانزده کودک جوانتر از ده ساله بودند. مزدوران سبع رژیم نظامی حتی از کشتن نوزادی که تنها چند هفته بیشتر از عمرش نمی‌گذشت و در آغوش مادرش خفته بود، خودداری نورزیدند. این و دیگر وحشیگریهای خونخواری السالوادور، در سندی که چندی پیش از سوی محافل کلیسایی این کشور منتشر شد، توضیف میگردد.

افراد "گارد ملی" در قریه‌های آرکا تا ثولان و ولنتا می‌ایستادند. از صد نفر اکتند، سنجگویی نظامی، با وجود تاخیر شماره مقتولین به خبرنگاران خارجی اجازه ندادند که از این قریه‌های واقع در مرز هندوراس دیدن کنند.

نظامیان مرتجع هندوراس نیز هر چه بیشتر به کمک سرکوبگران السالوادور می‌توانند. طبق اظهاریه رهبری متحد انقلابی سازمانهای خلقی السالوادور ("دو")، چندی پیش ارتش هندوراس چهار تن از مبارزان السالوادوری را نزدیک مرز دستگیر کرده، پس از شکنجه وحشیانه‌شان، آنها را به رژیم السالوادور سپرد. نظامیان السالوادور نیز بیدرنگ به قتل آنها دست زدند.

## چاد همچنان درگیر جنگ خانگی است

مقر صلی اعلام و از سمت وزارت دفاع معزول شد.

در این میان، مردم چاد هستند که از همه بیشتر از بیامدهای خانمان برانداز جنگ خانگی و سبزه‌های دامنه دار میان گروههای گوناگون، رنج می‌برند. تاکنون ده‌ها هزار تن از انسان بی‌خانمان و بیگانه شده‌اند و شبکه آذوقه رسانی و ارتباطات تقریباً نابود گردیده است.

تنها در نجامنا، پایتخت چاد، در دو ماه آوریل و مه (۱۲ فروردین تا ۱۰ خرداد) دوهزار نفر به‌هلاکت رسیدند و پنج هزار تن مجروح شدند. فزون بر این در همین مدت ۱۲۰ هزار نجامنایی از طریق رودخانه مرزی "تاری" به کامرون گریختند.

هنوز امید نیست که جنگ خانگی چاد بزودی پایان پذیرد. احدا صیل، وزیر خارجه چاد، همچنین "مداخله تیروت" های خارجی، از جمله استعمارگران فرانسه را مسئول رویدادهای چاد خوانده است. که "ارتش شمال" هابیر را تسلیح و تجهیز می‌کنند. چندی پیش، خبرگزاریها از داکار، پایتخت سنگال، گزارش دادند که گروهی از لژیونرهای خارجی از جمهوری قدرالمان، ایتالیا و بریتانیا، در میان سیاهیان حسن‌ها بر می‌جنگند و صدها تن از آنان در ۶۰ کیلومتری نجامنا مستقر شده‌اند.

بگفته صیل، وزیر خارجه چاد، دولت فرانسه علیرغم آنکه "پشتیبانی خود را از فیمل" درگیری‌ها به "گونت" اعلام داشته است، از طریق رسانه‌های گروهی خود، بویژه "راديو فرانسیس" اخترا سیونال" برای طرف متخاصم تبلیغ میکند.

محافل آگاه همچنین خاطر نشان می‌سازند که فرانسه، علیرغم تصمیمات لاکوس همچنان از فراخواندن کامل نیروهای خود در چاد امتناع می‌ورزد.

جنگ خانگی که نزدیک به سه سال است در چاد پدید آمده، با شدت هر چه بیشتر ادامه دارد. آخرین کوشش برای حل این مسئله نیز، مانند تلاش‌های دیگری - نتیجه ماند.

کنفرانسی که برای مذاکره بی‌طرفانه حل مسئله چاد در لومبر، پایتخت تیگو، با شرکت رهبران دو گروه عمده نظامی - سیاسی متخاصم - گوکونی اوئدیسه، رئیس "دولت موقت وحدت ملی چاد" ("گونت") و حسن هابیر، وزیر دفاع پیشین این دولت - و سران کشورهای توگور، سیرالئون و جمهوری توگو، در بین برگزار شد، پس از دو روز با ناکامی پایان یافت.

ادم کوجو، دبیرکل "سازمان وحدت آفریقا"، پس از قطع مذاکرات کنفرانس لومه، اعلام داشت که از این پس وزیران خارجه کشورهای عضو این سازمان، مسئله آتش بس را در چاد پیگیری خواهند کرد. کنفرانس نامبرده همچنین نتوانست درباره گسیل احتمالی نیروهای صلح آفریقا به چاد به توافق برسد.

احدا صیل، وزیر خارجه چاد، دو صاحب‌ای که چند روز پیش از آغاز "کنفرانس لومه" در روزنامه الجزایری "المجاهد" انتشار یافت اعلام کرده بود که، دولت وی حاضر است مصوبات کنفرانس لاکوس "سازمان وحدت آفریقا" را بپذیرد. در این کنفرانس که تابستان سال ۱۳۵۸، با شرکت نمایندگان پانزده گروه مختلف نظامی - سیاسی چاد و کشورهای همسایه در پایتخت نیجر به برگزار شد، پیمانایی برای کمک به حل مسئله چاد با امضا رسید. چندی بعد، در پانزدهم ۱۳۵۸ دولت موقتی تشکیل گردید. که ریاست آنرا اوئدیسه بعهده داشت و حسن هابیر وزیر دفاع آن بود. ولی در پی درگیری‌های سختی که بهار امسال بار دیگر در چاد صورت گرفت، حسن هابیر، بعنوان

## در ظرف کمتر از یکسال ونیم، هشت میلیون اتیوپیایی سواد آموخته‌اند



نزدیک به دو ماه پیش، دوره سوم کارزار مبارزه با بیسوادی در اتیوپی، با امتحانات کتبی و شفاهی پایان یافت. پس از آنکه در دوره نخست، شش میلیون شهروند این کشور سواد نوشتن و خواندن آموختند، قرار بود که در دوره سوم، یک میلیون تن دیگر، بویژه از خانواده‌های دهقانی، به سواد آموزی بپردازند.

این برنامه با موفقیت دو برابر - ضد انجام شد. بدین ترتیب، در کمتر از یکسال ونیم، هشت میلیون اتیوپیایی، نه تنها از "نعمت" سواد بهره‌مند گردیدند، بلکه بسیاری از آنها، علاوه بر خواندن و نوشتن، برخی مقدمات حساب و اصول بهداشت را نیز یاد گرفتند. تاکنون ۴۶ هزار

معلم حرفه‌ای، دانشجو و دانش‌آموز دبیرستان، در بیش از ده هزار ریاگانه آموزشی، در تعلیم بیسوادان شرکت داشته‌اند. علاوه بر درسیه‌هایی، که از سوی دولت در اختیار سوادآموزان گذاشته شده بود، خود معلم حرفه‌ای، دانشجو و دانش‌آموز برخی جزوهای آموزشی سبیم بوده‌اند. مبارزه با بیسوادی، که دارای اهمیت بسزایی برای تحول اجتماعی اتیوپی است - پیش‌بینی می‌شود از پشتیبانی همه جانبه رادیو و بیسوادی در اتیوپی تلویزیون برخوردار تا ۷۲ سال دیگر میشود. رادیو و بکلی ریشه‌کن گردد.

برگزیده‌ایم و نه عوامل ذهنی، هر چقدر هم فحاشی علیه ما رکب باشد، تنها ما باید این یادآوری را بکنیم که البته اتخاذ این شبهه از طرف دشمنان و مخالفین، آگاهانه باعث تضعیف نیروهای جبهه متحد می‌شود، ولی اعمال آنها از طرف نیروهایی که جای‌شان در جبهه متحد خلق است به‌انسجام نیروها برای مبارزه بزرگی که در پیش داریم و به این آسانی‌ها و زودی‌ها از آن خلاص نخواهیم شد، صدمه بزرگی خواهد زد. گفتار دیروز امام خمینی از اول تا آخرش عبارت بود از این که می‌باید در جهت اتحاد نیروها کوشش کرد، می‌باید تلاش کرد که همه آن نیروهایی که در آن نبرد بزرگ برای درهم شکستن طاقت و بیرون راندن امپریالیسم آمریکا شرکت صادقانه داشتند، جمع کرد، گفتار دوم دیروز امام خمینی هم فوق‌العاده مهم بود. در این گفتار امام به نهادهای انقلابی که قدرت را در دست دارند یادآور شدند که باید در کار خود در تمام زمینه‌ها واقفاً تجدید نظر جدی بکنند تا نواقص و کمبودهایی که وجود دارد و به نیروهای مخالف و ضدانقلاب فرصت سوء استفاده می‌دهد، رفع شود. به این ترتیب یکی از مسائل مهمی که الان در مقابل دولت جمهوری اسلامی و نهادهای انقلابی قرار دارد، عبارت از این است که با یک خانه‌تکانی خیلی خیلی جدی نه فقط عناصر ناپاب و ناصالحی را که در دستگاه‌های آنها نفوذ کرده‌اند، از خود برانند، بلکه همچنین در برخی از تصمیمات نادرست خود که تنها موجب ناراضی قشر وسیعی از افراد مردم شده است، تجدید نظر به عمل آورند. خیلی از این افراد از نظر طبقاتی در نواقص ضد انقلاب و ضد جمهوری اسلامی قرار ندارند و نباید سبب شد که آنان در نتیجه اشتباه نهادهای انقلابی و یا خراب کاری عناصر ضد انقلابی - به سرپا زنی برای نیروهای ضدانقلاب یا نیروهای لیبرالی، که با تمام قوا می‌خواهند بکوشند تا اساس جمهوری کنونی ما را در هم بشکنند، تبدیل شوند. باید این نیروها را جمع و کوشش کرد تا زهرگرفته کاری که افتراق میان آنها ایجاد کند اجتناب شود.

### پرسش

بقیه از صفحه ۳

در جهت تضعیف موضع گیری ضد امپریالیستی و خلقی در جهت تثبیت نظام کهنه سرمایه‌داری کام برمی‌دارند، مبارزه قاطع و افشاگرانه برای بیرون راندن آنها از صحنه سرنوشت سیاست ایران است. در این مبارزه هم البته ما باید منتظر باشیم که مانند گذشته مرتب نه فقط از طرف دشمنان و مخالفین و انتقادشدگان مان مورد حمله ناجوانمردانه، توام با فحاشی‌های بسیار رکب و زننده روبرو شویم، بلکه عده‌ای از آن کسانی هم که با ما در یک جبهه مبارزه می‌کنند، در نتیجه این که جرئت مقابله با اتهامات را ندارند و برای این که بگویند "خیر، ما کمونیست نشده‌ایم، توده‌های نشده‌ایم!"، همان فحش‌ها را نسبت به ما تکرار کنند، به این ترتیب ما از دو طرف مورد هجوم هستیم. آن هم فقط با فحش و ناسزا و توهین و افترا. ولی موضع گیری ما تحت تاثیر این برخورد قرار نمی‌گیرد، ما این موضع گیری مان را فقط بر اساس تحلیل درست از مسائل جهان و ایران

# گرایش سازشکارانه لیبرالیسم با امپریالیسم قانونمند است

لیبرالیسم یک موضع طبقاتی - سیاسی است. پس برخورد به لیبرالها ذهنی و شخصی نیست و نباید باشد. یعنی صحبت بر سر این نیست که چون در میان لیبرالها عناصر ناسالم و مشکوک دیده میشود، پس باید یا آنها مخالفت کرد، و یا چون فلان لیبرال عنصر ناسالم و مشکوک است، پس لیبرالیسم بد است و یا هر کس که از مواضع لیبرالی دفاع کرد، چانسوس امپریالیسم است.

لیبرال، بعنوان نماینده سیاسی و فکری قشر بورژوازی لیبرال، طرفدار سرمایه‌داری است و در دوران ما هر کس که طرفدار سرمایه‌داری باشد، بالاخره، حتی در وراء اراده خود و صرف نظر از حسن نیت و سوء نیت خود، در مقابل خلق قرار میگیرد و به مبارزتی با امپریالیسم و به هیبوندی یا امپریالیسم میرسد و سرانجام به کارگزار امپریالیسم مبدل میشود. این سر نوشت لیبرالها محصول اتمام و یا خیالیاتی نیست، بلکه یک اصل علمی و یک قانونمندی بی چون و چراست. افرادی که موضع لیبرالی دارند، طبق منافع قشر اجتماعی خود عمل میکنند و یا به این قشر اجتماعی، یعنی بورژوازی لیبرال، تمایل دارند و می‌خواهند کشور از راهی برود که به مناسبات سرمایه‌داری لطمه وارد نیاید. و کوشش در راه حفظ و ادامه مناسبات غارتگرانه سرمایه‌داری، آنها را، چه بخواهند، چه نخواهند، یسوی پیوستن به سیستم جهانی امپریالیسم سوق میدهد و در یک چنین سیستم پیوستگی، برای سرمایه‌داری ضعیفی مانند ایران، در برابر غول

عظیم امپریالیسم جهانی، بویژه امپریالیسم آمریکا، چیزی جز وابستگی و دست‌نشانده‌گی، نقش‌دیگری باقی نمی‌ماند. لذا اگر کشور از راه پیشنهادی لیبرالها، یعنی از راه رشد سرمایه‌داری و هیبوندی مجدد یا امپریالیسم برود، انقلاب به شکست خواهد رسید، خون دهها هزار شهید بهدر خواهد رفت و کشور مامجدا در دام وابستگی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی امپریالیسم گرفتار خواهد شد. علت مخالفت و مبارزه ما با لیبرالیسم و لیبرالها همین است.

گاه با تعجب سئوال می‌کنند که: این آدمیکه امروز لیبرال شده است، دارای سوابق مبارزاتی است. چگونه شده است که آدمی که دیروز مخالف رژیم شاه بوده است، امروز طرفدار سازش با آمریکا و بازگشت آمریکاست؟ باید بگوییم که اینگونه برخوردها، که «اشخاص» را در مرکز قضاوت و ضابطه حکمت قرار می‌دهند، غیر علمی و نیا درست هستند. البته «اشخاص» و سوابق آنها دارای اهمیت است و نمی‌توان آنها را نادیده تحلیل و قضاوت آنچه که باید مبنای تحلیل و قضاوت علمی قرار گیرد، «شخص» فی‌نفسه نیست، بلکه عمل، سیاست و موضع‌گیری شخص است. ماهیت اشخاص را، با اصطلاح معروف، چشم و ابروی آنها معین نمی‌کند، بلکه این عمل، سیاست و موضع‌گیری شخص است که می‌تواند به او شرافت و سربلندی عطا کند و یا برعکس، او را در ردیف مطرودان و مردودان جامعه قرار دهد.

هر شخصیتی اگر در سمت تاریخ، در سمت منافع توده‌های میلیونی محروم و زحمتکش و مستضعف، در سمت استقلال و آزادی و ترقی و سربلندی مبین و خلق خود حرکت کند، مقبول و محترم و انقلابی است، و اگر برخلاف آن رفتار کند، مطرود و منقور و ارتجاعی خواهد بود. ممکن است شخصیتی در مرحله‌ای همراه خلق و انقلاب حرکت کند و تا جای معینی همراه یا خلق و انقلاب پیش بیاید، ولی در مرحله معینی، به علت منافع طبقاتی نامشروع خود، از پیشروی بازایستد و نه تنها خود ترمز کند، بلکه حتی بکوشد در مقابل مجموع جریان انقلاب سد و مانع ایجاد کند و انقلاب را به قهقرا و یا انحراف بکشانند. پیش آمدن چنین وضعی برای اینگونه اشخاص گرچه تأسف‌آور است، ولی بهر حال جز عملی علیه انقلاب نام دیگری نمی‌توان بر آن نهاد.

لیبرالهای ما امروز به همین درد اسفناز مبتلا شده‌اند. از گذشته بورژوازی لیبرال میگذریم. تاریخ سه چهار سال اخیر آنها را به‌شایه نمایندگان بورژوازی لیبرال ایران، از پیش چشم‌پیکندرانیم. بورژوازی لیبرال ایران قبل از انقلاب جزء نیروهای مخالف دیکتاتوری شاه بود، زیرا از رفتار بورژوازی بزرگ و وابسته، که شاه و خاندان سلطنتی در راستی قرار داشتند، با محدودیتها و ممانعت‌هایی در زمینه «آزادی غارت» و «شرکت در غارت» مواجه بود. بورژوازی لیبرال برای آن در انقلاب شرکت کرد که، آنچه را که محدودیت و ممانعت در راه «آزادی غارت» و «شرکت در

غارت» مبدانست، از سر راه بردارد، و نه برای اینکه خود سرمایه‌داری بطور کلی ملتی گردد و حکومت توده‌های محروم و مستضعف ایران ایجاد شود. به همین دلیل نمایندگان بورژوازی لیبرال حتی با ماندن شاه در چارچوب قانون اساسی هم موافق بودند. ولی وقتی که این هم از دستشان در رفت، پس از پیروزی انقلاب کوشیدند انقلاب را در چارچوب مناسبات سرمایه‌داری محدود سازند. و وقتی که «انقلاب دوم» این را هم از دستشان گرفت و مسئله تعمیق انقلاب بسود توده‌های محروم و مستضعف مطرح شد، آنها به مقابله برخاستند و بتدریج به‌صفت آرائی آشکار علیه تعمیق انقلاب پرداختند.

نبرد قهرمانانه مردم ایران به رهبری امام خمینی علیه تجاوزین صدامی، انقلاب بزرگ ما را بیشتر به عقب برد. مسئله سلب اقتدار از سرمایه‌داری وابسته، مسئله دولتی کردن بزرگانی خارجی، مسئله الفای بزرگ مالکی، مسئله تشخیص دوستان و دشمنان واقعی انقلاب در صحنه جهانی و تکیه بر جنبه ضد امپریالیستی جهانی و انواع مسائل بنیادی از این قبیل، بصورت جدی و عملی مطرح شد. در اینجا دیگر لیبرالها نادانان به آسمان بلند شد و میتوان «دفاع از آزادی» - یعنی آزادی برای حفظ و ادامه غارت سرمایه‌داری - به رویارویی آشکار علیه انقلاب چسارت ورزیدند و در واقع به‌سیم آخر و یا مابقی آخر زدند.

این بود جریان و مراحل عمده پیشروی، توقف، تفریق، به قهقرا رفتن و

جاده‌صاف کن ضدانقلاب شدن بورژوازی لیبرال ایران یا اختصار، و همه دیگری مخالفان انقلاب و چپ‌سوی اسلامی هم، وقتی که صف‌بندی لیبرالها را در مقابل انقلاب دیدند، بدون استثنا اختلافات داخلی را مسکوت گذاشته، ماچ و بوسه کردند و در زیر پرچم لیبرالها گریز آمدند. یعنی بقایای بزرگ سرمایه‌داری طاغوتی، بزرگ‌زمین‌داران، و عاقل‌السلطنین و عاقل‌المالکین، ساواکی‌های مستتر، مأموران سیا، «ترجی‌های پوک» و دیگری ضد انقلابیون هم بدر همانحال که عمل مستقل ضدانقلابی خود را انجام میدهند از پرچم لیبرالیسم بر ضد انقلاب استفاده میکنند.

پس وقتی که ما از کسی یا گروهی به‌عنوان «لیبرال» یاد می‌کنیم و جریانی را «لیبرالیسم» می‌نامیم، منظورمان افترا و یا اهانت به کسی نیست و اصولاً افترا و اهانت کردن کار حزب ما و راه ما نیست. ما این جریان را می‌بینیم و نام علمی خودش را هم به آن اطلاق می‌کنیم. کما اینکه به ویا می‌گویند «توبه» و به کوری می‌گویند «کوری» و نه چیز دیگری.

اینکه همه نیروهای انقلابی و آگاه ایران امروز لیبرالها را مورد افشاکاری قرار داده‌اند، نه «القای» کسی است و نه امری تصادفی. این افشاکاری همگانی از آنجاست که همه نیروهای انقلابی و آگاه ایران درک کرده‌اند که لیبرالها جاده‌صاف کن ضدانقلابند و لذا با افتضاء و طرد لیبرالیسم، در واقع ضدانقلاب را زیر ضربه گرفته‌اند.

## رزمندگی و ایثار...

نایدید خود، از آب کره می‌گیرند و هر ریال از سرمایه خود را در جانی و در محلی سرمایه می‌گذاری میکنند که برایشان صدها ریال به‌سراه آورد. در شرایطی که محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا و جنگ تجاوزی و تحمیلی رژیم صدام، اقتصاد کشور را با مشکلاتی مواجه ساخته است، آنان با احتکار و گرانفروشی، مشکلات را تشدید میکنند و همیشه خانواده‌های محروم را، که عزیزانشان در جیبه هستند، دشوارتر می‌سازند.

یک سرمایه‌دار وابسته، یک کارخانه‌دار طاغوتی، یک بزرگ مالک و یک بازرگان عمده، تاکنون حتی گذارش به جیبه جنگ نیفتاده، تا چه رسد که علیه دشمن جنگیده باشد. این گروه طفیلی و غارتگر نه تنها خیانت خود را از خطر رها نکرده، بلکه به پرکت جنگ تجاوزی و تحمیلی، ثروت خود را چند برابر کرده است.

برای آنکه آن توده مستضعف انقلابی و مبین‌دوست و فداکار و جانباز و اسان‌دوست بتواند سرانجام‌رو نیکیختی ببیند، باید دست سرمایه‌داران وابسته، بازرگانان عمده، واسطه‌ها، دلالها، فئودالها و زمینداران بزرگ را، که از خون مردم تغذیه میکنند، از اقتصاد کشور کوتاه کرد. انقلاب ما، که در نیمه راه پیروزی قطعی و نهایی، بسیاری از وابستگان به طبقات بهره‌کش را از اریکه قدرت بریز کشیده، باید بتواند با روشن کردن مسئله مالکیت در بخش صنایع، با اجرای اصلاحات ارضی انقلابی، با دولتی کردن بازرگانی خارجی، کل طبقات استثمارگر را از جامعه انقلابی ما براند و راه را برای حکومت آزمانهای خلق یکشاید.

### بقیه از صفحه ۱

و دم بر نمی‌آورند، با کمبودها می‌سازند، نبوده‌ها را تحمل میکنند، برای آنکه انقلاب بماند، پا بگیرد، استمرار یابد و روزی سرانجام، بنای یک زندگی انسانی را برای آنان بنا نهد و در پیجی از روشنائی بر کبود شامشان یکشاید.

این آزاده مردمی که هم بار جنگ را بر دوش دارند و هم بار محرومیت‌های ناشی از قتل و بیسوادی قرون راه صاحبان‌واقی این کشورند، این صاحبان‌واقی باید روزی سرانجام در خانه خود روی آسیایش و فراغت ببینند و مصون از سيطرة امپریالیسم و طبقات و اقتدار استثمارگر، صاحب خانه خویشتن باشند.

اما هنوز امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش به مرز نهایی شکست و ناکامی نرسیده‌اند، هر چند که ضربات جانانه‌ای را متحمل شده‌اند. در حالیکه مستضعف توطئه در شرف شکست است، امپریالیسم آمریکا هفتمین آنرا آغاز کرده است. در حالیکه جانبازی و دلآوری توده محروم حوزه امپریالیسم قدرتمند آمریکا و تجاوزگران صدامی را در کرانه آوردند و در مرزهای غریبی کشور، بر خاک میمالد، پایگاه اجتماعی امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی، یعنی سرمایه‌داران وابسته و بازرگانان عمده و فئودالها و زمینداران بزرگ، با سکین خون مردم، خود را فریه میکنند و به توطئه امپریالیسم آمریکا در گسترش کیبود و نبود و گرانی یاری می‌رسانند. این اقتدار و طبقات انکل و مقتضواره، نه تنها از مناطق جنگی گریخته و خود را به گوشه‌های امن رسانده‌اند، بلکه در پی سودجویی سیری-

## تصمیمات...

بقیه از صفحه ۱  
باشد، ریاضیات را با اندازه رفع حوائج زندگی باید بیاموزد. همه کسانی که بعد از اجرای طرح نظام آموزشی جدید در ایران متولد میشوند، این دوره را بدون استثناء باید بگذرانند.

این گروه، که رویای شیرین میلیونها خانواده زحمتکش را برای تحصیل و پرورزی فرزندانشان به تحقق می‌رسانند، باید از هم اکنون، چه از نظر گسترش شبکه مدارس در شهر و روستا، و چه از جهت تأمین کادر آموزشی، کتابهای درسی و تأمین بودجه لازم، تدارک دیده شود. باید با توجه به نرخ افزایش سالانه جمعیت کشور، اقتدار مدرسه و عمل و مربی داشته باشیم که بتوانیم آموزش اجباری هشت‌ساله را واقعیت بخشیم و نخستین سنگ این اقدام مهم را باید از هم امروز بگذاریم، که هر لحظه تاخیر میتواند اجرای این برنامه انقلابی را دچار تعویق سازد. در عین حال برای میلیونها کودکی که تا هم اکنون و قبل از اجرای طرح نظام آموزش جدید، راه به مدرسه نیافته‌اند، باید چاره‌ای اندیشید، تا قبل از آنکه در صف بزرگان درآیند، سواد آموخته باشند. باید از کل نیروی باسواد طبق برنامه‌های مدون و منظم، برای پیکار با بیسوادی در سطح کشور پیش از پیش تلاش کرد، تا این بیماری مهلک بیش از این سد راه تکامل کشور قرار نگیرد و ویرانگر نیکیختی انسانها نباشد.

آقای نائینی بر ضرورت دوره پیش‌دانشگاهی اشاره کرد و گفت: «در قسمت اول تکیه بر نیروی دروس عمومی و تربیتی و درصد

## کتاب بیدار بزن کنیم

### خانم حزب که نسیم آرد

رقعی حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!  
ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چلبین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانم حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب بکمک مالی شما نیازمندیم. کمک مالی خود را به نام رضا شلتوک، شماره بانکی ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپید قرنی شمالی بپردازید.

توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

ک.م.	۵۰۰۰ ریال
لیلا با فروش دستبند	۱۵۰۰۰ ریال
ماشه‌الله از فروش روزنامه	۱۵۰۰ ریال

چون خود را نیز بدهند. اگر واقعا استعداد دارند، اینها را باید به دانشگاهها هدایت کرد. باید فرق گذاشت بین کسانی که در اینجا نشسته‌اند و پایشان را دراز کرده‌اند و میگویند ما می‌خواهیم به دانشگاه برویم، با اینانی که جان خود را در راه این کشور به گرو گذاشته‌اند. این رسم دل‌پذیری است که علاوه بر شرط استعداد، ایمان جوانان ما به انقلاب و امپریالیسم و خلقی و درجه مبین دوستی، مردم دوستی و فداکاری‌شان برای جامعه نیز معیار قرار گیرد. در کشورهای سوسیالیستی نیز ضابطه ورود به دانشگاه داشتن دیپلم نیست، تعلق به خانواده‌های متنفذ و متمکن نیست، پول و پارتی نیست، بلکه هم استعداد فرد و هم شایستگی او در انجام وظائف اجتماعی معیار قرار میگیرد.

در این کشورها داروطلبان تحصیلات عالی، هم از میان بهترین استعدادها با شرکت در مسابقه ورودی دانشگاه‌ها انتخاب میشوند، و هم کسانی که به دلیل شایستگی خود در حین اشتغال در کارخانه‌ها، مزارع و موسسات خدماتی، از سوی محل کار خود به دانشگاه معرفی میشوند. شایسته است که در کشور ما نیز سیاستی در پیش گرفته شود تا دانشگاهها خلق شوند، زیرا بر اساس ضوابط انقلابی و خلقی، فرزندان خانواده‌های زحمتکش، که مبین دوستان راستین و انقلابیون واقعی هستند، خواهند توانست به دانشگاهها راه یابند. دکتر با هنر به سمت وزیر آموزش و پرورش، هر روز شاهد اقدامات و تصمیمات انقلابی این وزارتخانه باشیم.

# هنرمندان توده‌ای انقلاب ایران را می‌شناسانند

در روزهای ۱۸-۲۴ آبان ۵۹ برنامه‌های هنری متنوعی در چارچوب «هفته مبارزه هنرمندان برلین غربی» و زیر عنوان «هنرمندان برای صلح» در آن شهر برگزار شد. در این برنامه، «گروه نوین»، وابسته به سازمان حزب توده ایران در برلین غربی، نیز شرکت داشت.

«گروه نوین» در روز ۲۲ آبان ۵۹ در برنامه مخصوص خارجیان، بنام «بگذار خلقها خود سخن گویند»، شرکت کرد و با سرودن آهنگهای انقلابی، از جمله «سرود جهاد سازندگی»، توجه

خاص حاضران را بخود جلب کرد.

انمکاس برنامه «گروه نوین» در مطبوعات نیز چشمگیر بود. برای نمونه، «دی وارهایت»، ارگان مرکزی «حزب سوسیالیست متحد برلین غربی» در این باره نوشت (۲۶ آبان ۵۹):

«گروه نوین»، که فعالیت خود را حدود یکسال و نیم پیش دوباره از سر گرفت، برای نخستین بار در شهر ما روی صحنه ظاهر شد. بیست خواننده مرد و زن و پنج نوازنده گروه

که در آن سولیتها و یا گروههای سولیت (مثلا پنج صدای زن)، در تصاد با مجموع کر و یا بخش اعظم آن قرار داده میشوند، عالی است. علاوه بر این، تأثیر هنری صدا سبب میگردد که شنوندگان در تمام مدت سرایش یازده ترانه به زبان فارسی، با تمرکز کامل برنامه را دنبال کنند. سازهایی که در تنظیم آنها مهارت کمتری بکار رفته است (دو ضرب، ماندولین، چنگ و ستور)، به نوازی متنوع و کامل گروه کمک می‌کنند.

## چنین کودک! زهستی دل تهی کردن روا باشد؟



شهید محمد حسین فهمیده، نوجوان ۱۳ ساله، که با بستن چند نارنجک به خود و خوابیدن زیر فانکهای عراقی، تعدادی از تجاوزگران سدامی را به هلاکت رسانید.

سخن از قهرمانیها به کشورها فراوان بود و اینک سرزمینماست، کان افسانه میسازد سخن از تو است، ای نوباره، زیر کوه پولادین ترا پیکر چو خونین‌شنجه شد پرپر...

چنین کودک! ز هستی دل تهی کردن روا باشد؟ ولی «فهمیده» نامت بود، بی شک نیک فهمیدی، که بهر حق فناکشتن رهی سوی بقا باشد.

سپردی صبحگاه جان به موج سرکش آتش که تا این زید مام از عنوی دل سیاه تو. نگاه آرزومندت، چه شیدانی است، چه بی‌شش! میان آئینه آینده باشد در نگاه تو.

چندشوار است این باور که آن فرزند گل‌پیکر تن خود ساخت خاکستر درون شعله آذر

زیاد خویش در من افتخار و قم در آمیزی نلارمشک، تو، شهباز جوان، یا سیر جادویی چه سوداها که سوی «اوج»، در جانتا برانگیزی.

شهید نوجوان! یادا نثار تو درود من! که فصلی نوکنند آفاق خون‌افشان بهار تو. سرودم بی‌بها باشد، توئی زیبا سرود من، که شعر ماندگار ماست در دل یادگار تو.

به سیر پلکان رنجه و رزمه، ایران! فراتر شو! فراتر شو! که بس فهمیده‌ها داری. ز کودک تا به پیر مو سپید گوشه‌پشت، اینک درون لشکر خود، بی‌امان رزمینه‌ها داری.

سخن از قهرمانیها به کشورها فراوان بود و اینک سرزمینماست کان افسانه میسازد...

ط. آذر ۵۹

## شورای جهانی صلح خواستار مبارزه جهانی برای آزادی زندانیان ایرلند شمالی شد

شورای جهانی صلح، با صدور اعلامیه‌ای، خواستار مبارزه جهانی بِنفع زندانیان مبارز ایرلند شمالی شد. شورای جهانی صلح دولت انگلستان را مسئول رویدادهای جاری در ایرلند شمالی دانست و تأکید کرد:

«انگلستان ابتدائی‌ترین حقوق و آزادیهای مردم ایرلند شمالی را نقض کرده است.»

از سوی دیگر، کمیته کمک به مردم ایرلند شمالی نیز از جامعه جهانی خواسته است که به رفتار مقامهای انگلیسی با زندانیان مبارز ایرلند شمالی رسیدگی کنند. این کمیته در بیانیه‌ای که در سازمان ملل متحد منتشر کرد، یادآور شد که تنها گناه زندانیان ایرلند شمالی، که برای احقاق حقوق خود دست به امتصاب غذا زداند، مبارزه برای آزادی ایرلند شمالی از زیر یوغ استعمار انگلیس است.

به گزارش پروادا:

## امپریالیسم آمریکا در تلاش برای ایجاد یک پیمان امنیتی با کشورهای مرتجع عرب است

روزنامه پروادا، ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در مقاله‌ای، ضمن اشاره به گزارش هفتنامه انگلیسی «ایزور»، نوشت: «آمریکا تلاش دارد با ایجاد یک اصطلاح پیمان امنیتی جدید در خلیج فارس، پاره‌ای از کشورهای عرب منطقه را به طرح‌های توسعه طلبانه خود بکشاند.»

پروادا تأکید کرد که آمریکا تلاش دارد این پیمان را میان عربستان سعودی، امارات عربی متحده، قطر، بحرین و عمان ایجاد کند.

پروادا ضمن اشاره به مقاله «ایزور» نوشته است: «لرد کارینگتون، وزیر خارجه انگلیس، نقش رابط را میان این کشورهای عربی و آمریکا ایفا می‌کند. بگفته کارینگتون «پیمان امنیتی» با غرب همکاری نزدیک خواهد داشت.»



## بوریس پاناماریف: اتحاد شوروی در راه تحکیم صلح جهانی و برای کاهش تشنجات و خطر جنگ مبارزه می‌کند

بوریس پاناماریف، عضو مشاور دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که در راس یک هیئت کیسیون امور خارجی شورای عالی اتحاد شوروی (پارلمان شوروی) به فرانسه سفر کرده است، ضمن ملاقات با هیئت نمایندگی پارلمان فرانسه، سخنرانی شروخی درباره اوضاع جهانی ایراد کرد. پاناماریف در این سخنرانی از جمله گفت:

«اتحاد شوروی برای غلای شدن واقعی و ثبات اوضاع بین‌المللی و تحکیم صلح جهانی تلاش می‌کند و علیه خطر جنگ و برای کاهش تشنجات و پایان دادن به سابقه تلیحاتی و در راه همزیستی مسالمت‌آمیز میان کشورهای دارای نظامهای اقتصادی - اجتماعی متفاوت و توسعه همکاریهای بین‌المللی متقابلا سوسند مبارزه می‌کند. این مسیر، هدفهای اساسی اتحاد شوروی را در سیاست خارجی بوضوح نشان میدهد.»

بوریس پاناماریف تأکید کرد:

«فضایهای روزمره شوروی در صحنه جهانی تأکیدی بر این واقعیت است. تازه‌ترین نمونه آن دیدار اخیر لئونید برژنف از هند است که در جریان آن، اتحاد شوروی وفاداری خود را به تشنج‌زدایی، خلع سلاح و همزیستی مسالمت‌آمیز بار دیگر یادآور شد و ابتکاری بسیار مهم را در زمینه حل و فصل سیاسی اوضاع بسیار خطرناک خلیج فارس عرضه کرد.»

پاناماریف در سخنان خود همچنین به تلاشهایی که در جهت تسدید و خاتم اوضاع جهانی انجام میگردد اشاره کرد و گفت: «اوضاع جهانی بر اثر تلاش نیروهای معینی به وخامت گرایده است. برای مقابله با این گرایش منفی لازم است، همه نیروهای که عقیده دارند تشنج‌زدایی تنها راه درست است، نیروهای خود را هماهنگ سازند.»

وی افزود: عوامل اصلی وخامت اوضاع جهانی سیاستهای آمریکا و ناتو در زمینه کسب برتری نظامی و استفاده از نیروی صلح برای تأمین منافع حیاتی آمریکا است که عملاً تمام جهان را حوزه «منافع حیاتی» خود اعلام کرده است. آمریکا و چند کشور دیگر غربی، که برای خود وظیفه پرهم زدن تعادل موجود نیروها را در جهان قائل هستند، بلژی با ورق «چین» را آغاز کرده‌اند و تلاش دارند از شوونیسم عظمت‌طلبانه پکن در سیاست خارجی بِنفع خود استفاده کنند. رهبری پکن نیز در این میان، قبل از هر چیز دیگری، به کشورهای غربی توصیه می‌کند که به جنگ سرد و رویارویی با اتحاد شوروی بلزگردند.»

پاناماریف در قسمت دیگری از سخنان خود گفت:

«مخالفان تشنج‌زدایی میدانند که در شرایط کنونی نمی‌توانند آشکارا تشنج‌زدایی را مورد حمله قرار دهند و بنابراین به تلیحات بر سرور صدا دست زداند و تلاش دارند که اقدامهای خود را، که برای صلح خطرناک است «اقدام دفاعی» جلوه گر سازند.»

وی تأکید کرد:

«هیچکس در اتحاد شوروی نیازی به جنگ ندارد. هیچکس در اتحاد شوروی نمی‌تواند خیری از جنگ و یا تدارک برای جنگ بیست آورد. اتحاد شوروی خواهان منابع مواد خام در کشورهای دیگر نیست و نمی‌خواهد مرزهای خود را گسترش دهد. ما هیچگونه ادعای ارضی بر هیچ کشوری نداریم. در مقابل، همه می‌دانند که چند کشور معین نسبت به اتحاد شوروی ادعای ارضی دارند.»

بوریس پاناماریف همچنین گفت:

محدود کردن مسایفه تلیحاتی و اتخاذ تدابیری جهت کاهش ذخایر سلاحهای هسته‌ای مهمترین مسئله مبارزه برای تداوم و تحکیم تشنج‌زدایی است. واقعیت دوران کنونی چنان است که بسیاری از مسائل مهم به بهبود اوضاع بین‌المللی و پایان دادن به مسایفه تلیحاتی و بویژه مسایفه تلیحاتی هسته‌ای و اجرای موافقت‌نامه‌های میان اتحاد شوروی و آمریکا بستگی دارد. اتحاد شوروی برای ابتکارهای کشورهای اروپای غربی و فرانسه نیز اهمیت زیادی قائل است. پاناماریف همچنین اهمیت اتخاذ تدابیر موثر برای کاهش مقابله نظامی در اروپا را مورد تأکید قرار داد.

## بیکاری در کشورهای عضو بازار مشترک در عرض یکسال، ۲۱٪ افزایش یافته است

بولتن ماهانه بازار مشترک اعلام کرد که در سپتامبر سال جاری، تولیدات صنعتی کشورهای عضو این بازار، در مقایسه با سال قبل، ۶ درصد کاهش یافته و بیکاری افزایش حدود ۲۱ درصد خواهد داشت. آمارهای این بولتن نشانده و خامت روزافزون اوضاع اقتصادی کشورهای عضو بازار مشترک است. در انگلستان شمار بیکاران در عرض یکسال ۵۰ درصد افزایش یافته است.

**نامه مردم**  
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزادی  
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

**NAMEH MARDOM**  
No. 399  
20 December 1980

Price:  
West-Germany 0.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A. 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه مردم مکاتبه کنند.

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱، منطقه ۱۴ پستی تهران

در پیام حزب کمونیست اتحاد شوروی به کنگره دوم حزب کمونیست کوبا:

## همبستگی اتحاد شوروی با کوبای سوسیالیستی مورد تأکید قرار گرفت

دومین کنگره حزب کمونیست کوبا در هارانا به کار خود ادامه میدهد. در آغاز کار کنگره، فیدل کاسترو دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا، طی گزارشی اوضاع کشور را تشریح کرد و پیشرفتهای اقتصادی کوبا را بیان نمود.

در کنگره حزب کمونیست کوبا، نمایندگان بسیاری از احزاب کمونیست برادر شرکت دارند. هیئت نمایندگی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که در این کنگره به ریاست کنستانتین چرنکوف، عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت کرده است، پیامی از جانب کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به حزب کمونیست کوبا تقدیم کرد. در این پیام ضمن تهنیت به مناسبت برگزاری کنگره، گفته می‌شود:

«کوبا به اتفاق دیگر کشورهای سوسیالیستی سیاست تشنج‌زدایی و حفظ صلح را دنبال می‌کند و سرسختانه در راه سالم‌سازی فضای جهان مجاهدت می‌ورزد. این کشور همچنین فعالانه در جنبش عدم تعهد شرکت می‌کند.»

در پیام حزب کمونیست شوروی، همبستگی اتحاد شوروی با کوبای سوسیالیستی مورد تأکید قرار گرفته است.